

چالش های ازدواج زود هنگام کودکان در ایران از منظر حقوقی و دینی

کامیل احمدی

پژوهشگر و مردم شناس

تخصص روش تحقیق و ارشد مردم شناسی

دانشگاه کنت - انگلستان

kameel.ahmady@gmail.com

چکیده

از منظر شمار زیادی از کارشناسان، ازدواج زود هنگام بر زندگی کودکان اثر گذاشته و آن را با تبعات آسیب زای سلامتی، پیچیده تر کرده و در هر سطحی از توسعه، رشد و تعالی فردی را تحت شعاع خود قرار می دهد. در برخی کشورهای در حال توسعه، ازدواج زود هنگام یک ابزار اقتصادی تلقی می شود که می تواند وضعیت اقتصادی خانواده را بهبود بخشد، می تواند پیوندهای خانوادگی را تحکیم بخشیده است. هر چند در نبود مطالعات مستقل و معتبر در خصوص کودک همسری در ایران، اطلاعات اندکی در این باره در دسترس است، آمار رسمی و دولتی ایران حاکی از این است که سالانه ده ها هزار دختر و پسر زیر سن ۱۵ سالگی توسط خانواده هایشان وادار به ازدواج می شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارهاست. برخی از خانواده ها در ایران ازدواج سنین پایین را ثبت نکرده و یا به صورت غیرقانونی به ثبت می رسانند. طبق گزارش انجمن حمایت از حقوق کودکان در ایران^۱، شمار دخترانی که در زیر سن ۱۵ سال ازدواج کرده اند از ۳۳۳۸۳ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۴۳۴۵۹ نفر در سال ۱۳۸۸ رسیده است یعنی سی درصد افزایش در عرض سه سال. چنین افزایشی در نتیجه ریشه دار شدن فقر و میل والدین به کنترل روابط دخترانشان بوده است. مطابق با جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، طی پاییز سال گذشته (۹۹)، ۷۳۱۷ ازدواج دختر بچه ۱۰ تا ۱۴ ساله و پنج ازدواج پسر بچه کمتر از ۱۵ سال به ثبت رسیده است. مطابق با این گزارش در پاییز ۹۹ آمار ازدواج دختران کمتر از ۱۰ سال صفر است. همچنین در همین بازه زمانی ۳۶۹۵۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله و ۵۱۳۹ پسر ۱۵ تا ۱۹ ساله ازدواج کرده اند. این مطالعه، برای اولین بار قصد دارد که رواج کودک همسری در هفت استان ایران را با تأکید بر عوامل مسلط اجتماعی-فرهنگی تحلیل کند؛ عواملی که بازتاب نابرابری های عمیق جنسیتی مؤثر در تداوم حیات این پدیده هستند. دلیل عقلانی انجام این مطالعه، تبیین شواهد و شیوع این رفتار آسیب زا در ایران و کمک به تصمیم گیرندگان دولتی در تمرکزشان بر حمایت آتی از حقوق انسانی دختران است. احترام و عطف به حقوق کودک نیازمند جلوگیری و ریشه کن کردن کودک همسری و حمایت فعالانه از دخترانی است که هم اینک ازدواج کرده اند. این تنها راهی است که از طریق آن می توان از تراژدی انسانی ازدواج زود هنگام پیشگیری کرد. این مقاله تلاشی است برای نمایان ساختن و به سطح آوردن اعماق مسأله ازدواج زود هنگام از منظر حقوقی و دینی در ایران برگرفته از کتاب طنین سکوت.

کلیدواژه ها: ازدواج زود هنگام، کودکان، دینی، حقوقی، دختر، کودک همسری

^۱. Association of Children's Rights

مقدمه

بدون شک سرمایه گذاری اجتماعی بر روی دختران، بسط سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی آنها و تضمین دسترسی‌شان به خدمات آموزشی و بهداشتی نشان روشنی از برابری جنسیتی است که موجبات شکوفایی جوامع قوی‌تری را فراهم می‌کند. بنا به تحقیقات انجام شده، تحصیلات عمدتاً به عنوان عاملی جهت جلوگیری از ازدواج زودهنگام در نظر گرفته می‌شود (یونیسف، ۱۳۸۳). زنان تحصیل کرده معمولاً سالم‌تر و در عرصه‌های بازار کار فعال‌ترند، درآمد بیشتری اخذ می‌کنند، فرزندان کمتری دارند و در مقایسه با زنانی که فاقد تحصیلات یا دارای تحصیلات پایین هستند، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب‌تری را برای فرزندان خویش مهیا می‌کنند (کلاگمن و همکاران، ۱۳۹۳). با عطف به حمایت و توجه جهانی به این پدیده، سطح ازدواج زودهنگام به طور کلی رو به کاهش گذاشته است، هرچند درصد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه خود ازدواج می‌کنند. یک مثال روشن و برجسته از این پدیده، جامعه ایران است.

با استناد به ساختار دینی حاکم بر ایران، بلوغ و شروع اولین عادت ماهانه به عنوان آستانه انتقال از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود. رسیدن به این آستانه فیزیکی و بیولوژیکی به معنای صلاحیت فرد برای ازدواج، صرف‌نظر از سن واقعی او می‌باشد. اگرچه ازدواج زودهنگام به هردوی دختران و پسران خردسال اطلاق دارد، اما واقعیت تلخ جامعه، دال بر این است که عواقب و اثرات پدیده کودک همسری برای دخترچه‌ها به مراتب جدی‌تر و خطرناک‌تر است.

بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان^۱، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. اما در برخی کشورها این سن بسته به قوانین خاص آن کشور متغیر است. صندوق جمعیت سازمان ملل^۲ ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد، اطلاق می‌کند. سازمان بهداشت جهانی^۳ کودکی را تا سن ۱۵ سالگی تعریف کرده است. بر همین مبنا در مواردی که کودک در زیر این سن قرار دارد، ازدواج زودهنگام کودکان رخ داده است؛ ازدواجی که توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب وی شکل گرفته و در آن توجهی به حداقل سن قانونی ازدواج نشده است.

ابن قدامه، یکی از رهبران فقهی سنی مذهب، تأکید کرد که والد دارای این قدرت و اقتدار است که دخترش را به همسری فردی مناسب وی درآورد، حتی اگر دخترش کمتر از ۹ سال سن داشته باشد (صحیح البخاری، روایت ۳۶۸۳ و ۳۶۰۶). چنین رسم و برداشتی در کشورهای خاورمیانه‌ای که در آنها فقر به‌وفور حاکمیت دارد، بسیار رایج است. به طور مشابه در جوامع سنتی جنوب صحرای افریقا، خانواده‌ها مهریه را در شکل پول نقد یا احشام از خانواده داماد دریافت می‌کنند. در این کشورها از ازدواج‌های زودهنگام به عنوان ابزاری برای نگهداشت اسکلتهای ضعیف جوامع سود جسته می‌شود (بارت، ۱۳۷۳). علاوه بر این ازدواج زودهنگام راهی برای سرکوب زنان در ظاهر حمایت و محافظت از آنهاست تا وی را تحت کنترل مردان قرار دهد. چنین قراردادهایی تضمین این امرند که فرزندان‌شان مشروع بوده و از مردانی هستند که قانوناً به شوهری‌شان درآمده‌اند. این تضمین، جایگاه و موقعیت قابل احترامی به زن در جامعه خاص خود می‌دهد (دبی، ۱۳۷۲) به نقل از گزارش کمیسیون پاکستان از وضعیت زنان، (۱۳۶۸). در چنین جوامعی دختران از سنین پایین یاد می‌گیرند که از بیرون رفتن پرهیز کرده و مانع از جلب شدن مردها به خودشان شوند. والدین این رویکرد سلطه پذیرانه را تشویق کرده تا از او یک عروس جوان بارز و خواستنی بسازند (کلدول و کلدول، ۱۳۷۶:۱).

رضایت در ازدواج ترتیب داده شده زود هنگام نیز محل شک است، زیرا تقریباً همیشه موضوع دردرس ساز رضایت کامل و آزادانه و اینکه آیا آن دختران خردسال تمامی حقایق و اطلاعات کافی در خصوص ازدواج را دریافت داشته‌اند یا خیر، وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه یک سوم دختران زیر سن ۱۸ سالگی و از هر ۹ دختر، یک نفر قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند. آنها به معنای کلمه، به بردگان جنسی خردسال تبدیل می‌شوند (هیلاری بوریگ، ۱۳۹۴: ۵۳).

1. Convention of Rights of the Child
2. UNFPA
3. The World Health Organization (WHO)

ازدواج زود هنگام کودکان مطابق عرف توسط خانواده کودک ترتیب داده می‌شود و اغلب شامل قول و قرارهای توافقی بین خانواده هاست در زمانی که خود کودکان جواتر از آن هستند که در این وصلت‌ها اراده و تصمیمی داشته باشند. در هر دوی مسائل ختنه زنان و ازدواج زود هنگام، رضایت از جانب دیگران به جای خود فرد لحاظ شده است.

- ختنه زنان و ازدواج کودکان هر دو انحراف روشنی از حقوق بشری دختران و زنان و یک شکل از خشونت علیه زنان هستند. خشونت علیه زنان آفتی است که سالانه زندگی میلیون‌ها زن را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. چنین تخمین زده شده است که از هر سه زن، یک نفر در طول زندگی‌اش خشونت جنسیتی را تجربه کرده است. ناقص‌سازی اندام جنسی و ازدواج زود هنگام کودکان بازنمایی از دسته خشونت‌ها هستند. این دو عمل - همچنانکه در توافقات چند گانه بین‌المللی مصوب شده است - در سطوح بین‌المللی به عنوان انحراف و نقض حقوق اولیه زنان و دختران شناخته شده اند.

بسیاری از کنوانسیون‌های سازمان ملل این موضع مهم و بنیادی را تقویت کرده اند. بند شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ بیان می‌دارد که :

(۱) مردان و زنان بزرگسال حق ازدواج و تشکیل خانواده دارند و حقوق برابری در خصوص ازدواج ، در حین ازدواج و یا فروپاشی‌اش به آنها نسبت داده می‌شود.

(۲) ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف بایست صورت گیرد.

قیود مشابهی در میثاق بین‌المللی سال ۱۳۴۵ در خصوص حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین میثاق بین‌المللی سال ۱۳۴۵ در خصوص حقوق شهروندی و سیاسی مصوب شده اند.

بند اول توافقنامه مکمل سال ۱۳۳۵ در خصوص لغو بردگی^۲، تجارت برده و سنن و اعمالی مشابه برده داری.

ماده ۱(C): رسوم و سننی که به موجب آنها یک زن بدون اینکه حق و توانایی مخالفت داشته باشد به کسی قول داده شود، و یا در ازای مبالغ پولی و یا از روی لطف از طرف خانواده، والدین یا قیم‌اش شوهر داده شود...

ماده ۱۰ و ۱۱ از میثاق سال ۱۳۳۳ در خصوص رضایت به ازدواج^۳، حداقل سن ازدواج و وضعیت ثبت عقد:

(۱) هیچ ازدواجی بدون رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف قانوناً نایست صورت گیرد. همانطور که در قانون مطرح شده است چنین رضایتی باید توسط آنها به طور شخصی بیان شود.

(۲) احزاب دولتی میثاق حاضر بایست حداقل سن ازدواج را مشخص نمایند (این حداقل سنی مطابق توصیه‌های اختیاری ضمیمه این توافق نامه کمتر از ۱۵ سال نباشد). هیچ ازدواجی مطابق قانون در زیر این سن نباید صورت گیرد ، مگر در زمانی که یک فرد صاحب اختیار و با صلاحیت به نفع طرفین و با دلایل جدی ، معافیت از شرایط سن را خاستار شود.

(۳) تمامی ازدواجها بایست توسط یک مسئول صاحب صلاحیت ثبت شوند.

ماده ۱۶۰۱ توافقنامه حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^۴ در سال ۱۳۵۸ اصول زیر را برای زنان و مردان به طور مساوی مقرر می‌دارد:

الف: حق یکسان برای اقدام به ازدواج.

ب: حق یکسان برای انتخاب آزادانه شریک زندگی و اقدام به ازدواج تنها در صورت داشتن رضایت کامل و آزادانه.

ماده ۱۶۰۲ عبارت است از : نامزدی و ازدواج کودک هیچ منشأ قانونی نداشته و تمامی اقدامات لازم از جمله قانون گذاری بایست در جهت تعیین حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

1. UDHR

2. Supplementary Convention on the Abolition of Slavery

3. Convention on Consent to Marriage

4. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

در ماده بیست و یکم از منشور آفریقایی سال ۱۳۶۹ در مورد حقوق و رفاه کودکان^۱ مصوب شده است که : ازدواج کودکان و نامزدی دختران و پسران خردسال بایست منع شده و اقدامات لازم از جمله قانون گذاری، جهت تعیین هجده سالگی به عنوان حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

کمیته حقوق کودکان همواره ازدواج زود هنگام کودکان را در گردهمایی های سراسری آفریقا علیه استعمار جنسی کودکان، به عنوان یک استعمار جنسی تجاری تعریف کرده است (میخائیل اس، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۹).

رضایت در ازدواج ترتیب داده شده زود هنگام نیز محل شک است، زیرا تقریباً همیشه موضوع دردسر ساز رضایت کامل و آزادانه و اینکه آیا آن دختران خردسال تمامی حقایق و اطلاعات کافی در خصوص ازدواج را دریافت داشته اند یا خیر، وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه یک سوم دختران زیر سن ۱۸ سالگی و از هر ۹ دختر، یک نفر قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی ازدواج می کنند. آنها به معنای کلمه، به بردگان جنسی خردسال تبدیل می شوند (هیلاری بوریگ، ۱۳۹۴: ۵۳).

ازدواج زود هنگام کودکان مطابق عرف توسط خانواده کودک ترتیب داده می شود و اغلب شامل قول و قرارهای توافقی بین خانواده هاست در زمانیکه خود کودکان جوانتر از آن هستند که در این وصلت ها اراده و تصمیمی داشته باشند. در هر دوی مسائل ختنه زنان و ازدواج زود هنگام، رضایت از جانب دیگران به جای خود فرد لحاظ شده است.

- ختنه زنان و ازدواج کودکان هر دو انحراف روشنی از حقوق بشری دختران و زنان و یک شکل از خشونت علیه زنان هستند. خشونت علیه زنان آفتی است که سالانه زندگی میلیون ها زن را تحت شعاع خود قرار می دهد. چنین تخمین زده شده است که از هر سه زن، یک نفر در طول زندگی اش خشونت جنسیتی را تجربه کرده است. ناقص سازی اندام جنسی و ازدواج زود هنگام کودکان بازنمایی از دسته خشونت ها هستند. این دو عمل - همچنانکه در توافقات چند گانه بین المللی مصوب شده است - در سطوح بین المللی به عنوان انحراف و نقض حقوق اولیه زنان و دختران شناخته شده اند.

بسیاری از کنوانسیون های سازمان ملل این موضع مهم و بنیادی را تقویت کرده اند. بند شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ بیان می دارد که :

(۱) مردان و زنان بزرگسال حق ازدواج و تشکیل خانواده دارند و حقوق برابری در خصوص ازدواج، در حین ازدواج و یا فروپاشی اش به آنها نسبت داده می شود.

(۲) ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف بایست صورت گیرد.

قیود مشابهی در میثاق بین المللی سال ۱۳۴۵ در خصوص حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین میثاق بین المللی سال ۱۳۴۵ در خصوص حقوق شهروندی و سیاسی مصوب شده اند.

بند اول توافقنامه مکمل سال ۱۳۳۵ در خصوص لغو بردگی^۳، تجارت برده و سنن و اعمالی مشابه برده داری.

ماده (C)۱: رسوم و سننی که به موجب آنها یک زن بدون اینکه حق و توانایی مخالفت داشته باشد به کسی قول داده شود، و یا در ازای مبالغ پولی و یا از روی لطف از طرف خانواده، والدین یا قیم اش شوهر داده شود...

ماده ۲و ۳ از میثاق سال ۱۳۳۳ در خصوص رضایت به ازدواج^۴، حداقل سن ازدواج و وضعیت ثبت عقد:

(۱) هیچ ازدواجی بدون رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف قانوناً نبایست صورت گیرد. همانطور که در قانون مطرح شده است چنین رضایتی باید توسط آنها به طور شخصی بیان شود.

(۲) احزاب دولتی میثاق حاضر بایست حداقل سن ازدواج را مشخص نمایند (این حداقل سنی مطابق توصیه های اختیاری ضمیمه این توافق نامه کمتر از ۱۵ سال نباشد). هیچ ازدواجی مطابق قانون در زیر این سن نباید صورت گیرد، مگر در زمانیکه یک فرد صاحب اختیار و با صلاحیت به نفع طرفین و با دلایل جدی، معافیت از شرایط سن را خاستار شود.

1. African Charter on the Rights and Welfare of the Child

2. UDHR

3. Supplementary Convention on the Abolition of Slavery

4. Convention on Consent to Marriage

(۳) تمامی ازدواجها بایست توسط یک مسئول صاحب صلاحیت ثبت شوند.

ماده ۱۶۰۱ توافقنامه حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^۱ در سال ۱۳۵۸ اصول زیر را برای زنان و مردان به طور مساوی مقرر می‌دارد:

الف: حق یکسان برای اقدام به ازدواج.

ب: حق یکسان برای انتخاب آزادانه شریک زندگی و اقدام به ازدواج تنها در صورت داشتن رضایت کامل و آزادانه.

ماده ۱۶۰۲ عبارت است از : نامزدی و ازدواج کودک هیچ منشأ قانونی نداشته و تمامی اقدامات لازم از جمله قانون گذاری بایست در جهت تعیین حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

در ماده بیست و یکم از منشور آفریقایی سال ۱۳۶۹ در مورد حقوق و رفاه کودکان^۲ مصوب شده است که : ازدواج کودکان و نامزدی دختران و پسران خردسال بایست منع شده و اقدامات لازم از جمله قانون گذاری، جهت تعیین هجده سالگی به عنوان حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

کمیتة حقوق کودکان همواره ازدواج زود هنگام کودکان را در گردهمایی‌های سراسری آفریقا علیه استعمار جنسی کودکان، به عنوان یک استعمار جنسی تجاری تعریف کرده است (میخائیل اس، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۹).

در دین اسلام حتی زمانی که شرایط جغرافیایی و زمانی در نظر گرفته شوند، قوانین زندگی برای تمامی مسلمانان سراسر دنیا چه مرد و چه زن گذاشته شده تا از آنها تبعیت نمایند که این قوانین شامل سن بلوغ و سن ازدواج نیز می‌گردد.

در قرآن صحبت از بزرگسالی و رسیدن به بلوغ شده است (ایزاک، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۱۸). واژه نوجوان در ادبیات اسلامی وجود خارجی ندارد و در قوانین اسلامی نیز عبارت "جوانی و خردسالی" محلی از اعراب نداشته است (هرمانسم، ۱۳۹۱). همانطور که قبلاً گفته شد، از این منظر شروع بلوغ، نشانه اتمام مرحله کودکی ست. با این حال این رویکرد بدن-محور توسط کسانی که خواهان یک دیدگاه توالی زمانی برای تعیین گذار از کودکی به بزرگسالی هستند مورد نقد قرار گرفته است. با وجود اختلاف نظرات گسترده در فهم و تفسیر قوانین اسلامی در جوامع مسلمان امروزی، آنچه تحت لوای شریعت اسلامی به طور وسیعی پذیرفته شده این است که زن و مرد بدون حضور یک ملازم نباید با یکدیگر دیدار داشته باشند. این ترس وجود دارد که تعامل و رویارویی بی واسطه زنان و مردان منجر به شکل‌گیری و شروع روابط جنسی میان آنها شود-چیزی که در خارج از قالب خانواده ممنوع است. (الحکم و مک لالین، ۱۳۹۵).

بر اساس شریعت مکتب حنبلی، والد حق دارد که پیشنهاد خواستگاری دخترش را از جانب یک مرد بپذیرد حتی اگر دخترش هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد. با این حال دختر تا زمان رسیدن به سن بلوغ به همراه والدینش زندگی می‌کند و در زمان بلوغ حق دارد که ازدواج را بپذیرد و یا آن را رد کند. اگر دختر ازدواج را نپذیرد طلاق می‌گیرند. با این حال باید بدانیم که در عمل چنین امری به ندرت اتفاق می‌افتد. بدیهی است که خانواده‌های درگیر در این قضیه و فشار اجتماعی برای قبول ازدواج و تبعیت از والدین در تمامی امور، برای یک دختر در چنین شرایطی سرپیچی را بسیار دشوار خواهد کرد.

وقتی که سن قابلیت ازدواج برای یک فرد بر اساس قوانین دینی پایین تر از سن قانونی ازدواج در یک سرزمین باشد، قانون دولتی حاکمیت دارد. ۱۲۳ حزب در کنگره تکمیلی سال ۱۳۳۵ در خصوص الغای برده داری با تعیین و تصویب یک حداقل سنی برای ازدواج موافقت کردند. با این حال برخی انجمن‌های مذهبی تفوق قانون دولتی را در این زمینه قبول ندارند و این خود منجر به دفاع و هواداری از ازدواج کودکان یا ازدواج اجباری می‌شود.

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

2. African Charter on the Rights and Welfare of the Child

”در مسأله ی ازدواج باید عجله کرد و دختر و پسر باید ازدواج کنند، البته من با ازدواج دانشجویی مخالفم، بلکه ازدواج باید دبیرستانی باشد زیرا دختران در سن ۱۳ سالگی شوهر می خواهند و آن کسی که او را خلق کرده است بهتر می داند که او برای چه چیزی بهتر است. در برخی از جاها باید عجله کرد و یکی از آن جاها ازدواج فرزندانمان است. زمانی که موقع ازدواج دخترانمان است، باید برای آن عجله کرد نه اینکه بگوییم درسش تمام شود و بعد. برای پسر هم همین گونه است، بنابراین برای ازدواج و امورات خیر باید عجله کرد، زیرا شیطان وسوسه می کند.“

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

۲۶ مرداد ۱۳۹۵

روش تحقیق

ازدواج کودکان یکی از معمول ترین بحث های مطرح شده توسط محققان و فعالان حقوق بشر می باشد که به طرزی خستگی ناپذیر در سطح سازمان های غیر دولتی بر عوامل ریشه ای این پدیده فعالیت کرده اند تا توجهات جهانی را به پایمال کردن حقوق بشر و شأن و جایگاه آسیب پذیر کودکان و نوجوانان جلب سازند. کودک همسری، رواج و محبوبیت آن، فراوانی ها و نرخ های احتمالی، علل سوق دهنده و بازتاب های میان نسلی و درون نسلی آن، موضوع مورد توجه رهبران جهانی شده است تا برای انهدام و جلوگیری از آن حمایت های مالی، زمانی و انرژی خود را سرمایه گذاری کنند. در ایران منابع اطلاعاتی اندکی در خصوص این موضوع وجود دارد. افراد بسیار قلیلی مطالعاتی را جهت تعیین عمق و شدت مشکل ترتیب داده اند. داده های دولتی ناقصند. ایران با نرخ پالایش در این هنجار اجتماعی جنسی هرگز محل ایفای هیچ گونه روش شناسی تحقیق ژرفانگری در این خصوص نبوده است. گرچه برخی آمارهای توصیفی یک تصویر کلی از ازدواج زود هنگام ارائه می دهند، اما تحلیلی جامع بر روی اثرات و دلالت های ازدواج زود هنگام و خطرات آن را مطرح نمی کنند. خود این اطلاعات اندکی نیز که مطرح شده است، محدود به پایان نامه های دانشگاهی، گزارش های جامعه هدف، رسانه ها، نوشته جات سطحی و برخی گزارشات با ماهیت غیر تحلیلی و در خصوص آمارهای ازدواج های ثبت شده می باشد. در اکثر موارد مطالعه کودک همسری در ایران از حدود تحلیل کوچک دامنه محلی فراتر نرفته است. آنچه در اینجا کمبود آن احساس می شد یک مطالعه مسأله محور در خصوص ماهیت کودک همسری در ایران بود.

همان طور که از قوانین و اخلاقیات تحقیق بر می آید، یک مطالعه پژوهشی بایست رویکردی عینی را در تمامی مراحل کار اقتباس نماید. در اولین مرحله انتخاب موضوع ازدواج کودکان در ایران، علایق پیشین نویسنده در مضامین خشونت بر مبنای جنسیت، توانمندسازی زنان و تجربه جمع آوری اطلاعات مربوطه در مطالعه ختنه زنان اثر گذار بودند. در تمامی مراحل بعدی، کلیه پیش فرض های قضاوتی بایست کنار گذاشته شده و یک رویکرد عینی و کیفی جهت فهم ماهیت کودک همسری اتخاذ می شد که با چهارچوب قانونی، فرهنگی و دینی نواحی روستایی ایران همخوان بود. این امر در اقتباس فهمی بی طرفانه و غیر متعصبانه از کودک همسری حیاتی بود. در اینجا هدف دستیابی به عمق معنای ازدواج کودکان با تمامی پیچیدگی های ذاتی اش می باشد.

یک رویکرد کیفی، تبیین های توصیفی و واقعیات مستقلاً اثبات شده مورد بحث قرار گرفته اند. استانداردهای اخلاقی مانع از گزینش متعصبانه تصمیمات در روند برنامه های تحقیق بود. در رویکرد ما، شیوه ارزیابی مسائل نه یک رویکرد حقوق بشرانه بلکه یک رویکرد مسأله محور و تجربی بود.

با این حال با وجود ملاحظات مربوط به جمع آوری داده ها، مطالعه ما محدودیت های خاص خود را داراست. در مطالعات کیفی عینیت همواره یک مسأله بوده و گاهی برخی تعصبات به صورت اجتناب ناپذیری از جانب محقق اعمال می گردد. محدودیت های زمانی و مالی نیز به این معناست که حجم نمونه بایست کوچک باشد، یعنی یافته های تحقیق در خطر تعمیم ناپذیری بوده و ممکن است نمایانگر جمعیت بزرگتر ایران نباشند. با این حال تمامی تلاش ها بر این بوده که تا حد ممکن از دخالت تعصبات جلوگیری شود. روش سخت گیرانه و مشارکتی ای که سؤالات تحقیق به وسیله آن طراحی شد غنی و آگاهی بخش می باشد. به شرکت کنندگان، محرمانه بودن اطلاعاتی که ارائه می دهند تضمین شد و مکانی امن و دوستانه برای ایشان فراهم شد که در آن به سهیم شدن تجربیات شخصی و خصوصی و دیدگاه هایشان با ما پردازند. در خصوص فردیت شخصی پاسخگویان نویسنده که خود سخنگوی بومی آن منطقه بوده، سخنان و اظهارات پاسخگو را فهم و به دقت هر چه بیشتر ترجمه کرده است. در سراسر مطالعه، یافته ها صرفاً بر اساس گفته های دقیق شرکت کنندگان بوده و نقل قول هایی از ایشان در سراسر گزارش ذکر شده است. این بیانات جهت واجوبی واقعیات زندگی کودک عروسان مورد استفاده قرار گرفته تا اعتبار و اصل اصالت تحقیق را برآورده سازند. این نقل قول ها دامنه ای از مضامین را در بر می گیرند؛ از جمله فهم دختران از علل و نتایج ازدواج کودکان و دستیابی آنها به اطلاعات و خدمات. نقل قول ها علاوه بر این اطلاعات، روایاتی غنی را شکل داده و بصیرتی خاص به درون زندگی مردم، فهم ایشان، رفتار مذاکره پذیر و روابط قدرت ضمنی را فراهم می سازند. آنها از دیدگاه این تحقیق، یک فرصت منحصر به فرد برای بحث و بررسی موضوعات حساس هستند. روایات روشنگرانه برای انتقال ماهیت هر زمینه ای انتخاب شده و در سراسر نسخه حاضر به عنوان مثال هایی از مباحث کلی گنجانده شده اند. در این مطالعه در کنار بررسی فهم کودک عروسان از عمل ازدواج کودکان، جزئیات اثرات کودک همسری بر زندگی روزمره دختران نیز ارائه شده است.

این مطالعه در عمل یک رویکرد نخستین است که به خفقان و سکوت پیرامون ازدواج کودکان و بازماندگانش صدا می بخشد. چنین چهارچوبی یک فرصت نادر جهت بیان رنج ها و دردهایی بود که هرگز به رسمیت شناخته نشده یا شنیده نشده بودند. بدین منظور پرسشنامه ای با سؤال هایی با پایان باز فراهم شدند تا پاسخگویان برای بیان هرآنچه که مهم می انگاشتند آزاد و راحت باشند. رویکرد روش شناختی به کار گرفته شده در این تحقیق که برگرفته از کتاب طنین سکوت است یک روش کیفی در مقیاس کلان بود. از آنجا که تحقیقی پیش از این در این باره در دسترس نبود که بتوان به آن رجوع کرد یا شیوه شناخته شده ای در ایران به عنوان یک تحلیل تطبیقی به کار گرفته نشده بود، روش شناسی مطابق و همخوان با پدیده موردنظر وجود نداشت که این امر نیاز به یک مطالعه تطبیقی از مناطق دارای نرخ های بالای رواج ازدواج کودکان در داخل ایران را ضروری می کرد تا در فهم شباهت ها و تفاوت ها به ما کمک کند. تحلیل های جامع اضافی دیگری جهت تلاش برای فهم کامل تر علل و خطرات ازدواج زود هنگام کودکان ضروری است.

استان ها با تحلیل داده های جمعیت شناسی موجود در خصوص آمارهای ازدواج در یک دهه اخیر انتخاب شدند. شایان ذکر است که ترتیب قرار گرفتن این استان ها در لیست موردنظر این تحقیق با فهرست هایی که توسط دولت منتشر شده است، یکسان نیست زیرا فهرست بکار گرفته شده در این مطالعه با انتخاب استان هایی صورت گرفته که بالاترین آمار کودک همسری را داشته اند و در طول این ده سال بیشتر از بقیه استان ها تکرار شده اند. بر این مبنا هفت استان مذکور عبارتند از:

۱. خراسان رضوی
 ۲. آذربایجان شرقی
 ۳. خوزستان
 ۴. سیستان و بلوچستان
 ۵. آذربایجان غربی
 ۶. هرمزگان
 ۷. اصفهان.
- زمینه و عوامل مرتبط و تعیین گر در ازدواج زود هنگام کودکان کودکان طی ده سال گذشته در سه گروه سنی انتخاب و طبقه بندی و ترسیم شدند که عبارتند از کمتر از ۱۰ سال، ۱۰ الی ۱۴ و ۱۵ الی ۱۹ سال.

جدول ۱. رتبه بندی شهرهای کشور به میزان نرخ ازدواج، بر مبنای جنس و سن

کمتر از ۱۰ سال	۱۰ الی ۱۴ سال	۱۵ الی ۱۹ سال	۱۰ الی ۱۴ سال	۱۵ الی ۱۹ سال	۱۰ الی ۱۴ سال	۱۵ الی ۱۹ سال
سیستان و بلوچستان ۳۳	خراسان رضوی ۷۶۲۹	خراسان رضوی ۲۴۳۶۲	۱ خوزستان ۶۵	خراسان رضوی ۴۷۹۷	۱ آذربایجان غربی ۴۲۵۷	خراسان رضوی ۳۱۹۹۴
۲ خوزستان ۳۱	آذربایجان شرقی ۴۲۴۴	خوزستان ۱۵۳۵۴	۲ سیستان و بلوچستان ۳۶	خوزستان ۲۹۵۶	خوزستان ۲۳۵۲	خوزستان ۱۸۳۱۰
۳ زنجان ۱۱	خوزستان ۲۲۵۶	آذربایجان شرقی ۱۲۵۶۶	۳ آذربایجان غربی ۳۱	سیستان و بلوچستان ۲۹۹۱	هرمزگان ۱۹۰۱	آذربایجان شرقی ۱۴۵۱۶
۴ کهگیلویه و بویراحمد ۱۰	همدان ۱۸۹۳	فارس ۱۱۴۷۵	۴ زنجان ۲۸	آذربایجان غربی ۲۰۳۱	فارس ۱۸۵۷	آذربایجان غربی ۱۳۳۰۸
۵ کرمانشاه ۹	سیستان و بلوچستان ۱۸۴۱	آذربایجان غربی ۱۱۲۷۷	۵ خراسان رضوی ۲۱	آذربایجان غربی ۱۹۵۰	آذربایجان غربی ۱۶۴۰	سیستان و بلوچستان ۱۳۲۸۷
۶ فارس ۸	فارس ۱۸۲۹	سیستان و بلوچستان ۱۰۲۹۶	۶ فارس ۲۰	گلستان ۱۴۴۳	اردبیل ۱۶۰۱	فارس ۱۲۷۱۷
۷ -----	آذربایجان غربی ۱۶۰۴	اصفهان ۱۰۱۴۷	۷ گلستان ۱۹	فارس ۱۲۴۲	زنجان ۱۴۲۰	اصفهان ۱۰۹۰۵
۸ -----	اردبیل ۱۵۹۶	مازندران ۷۸۱۴	۸ -----	کرمان ۱۲۱۱	مازندران ۱۳۵۹	گلستان ۸۴۲۰

وسعت نواحی تحت پوشش این مطالعه، ملاحظات زمانی و مالی و همچنین محدودیت‌های بودجه‌ای، به کارگیری نمونه‌گیری خوشه‌ای را کارکردی می‌ساخت^۱. با استفاده از این شیوه، چندین شهر واقع در شمال، جنوب، شرق و غرب هر استان برای پوشش اولین خوشه انتخاب شدند. مطابقاً چندین روستا از هر شهر جهت قرار گرفتن در خوشه دوم انتخاب شدند. تعداد مصاحبه‌های هر استان بر مبنای رتبه‌اش در جدول ۱۰ سائۀ طبقه بندی استان‌ها تعیین شد. بدین جهت تمامی مناطق مورد بررسی شمار متفاوتی از مصاحبه‌ها را ملزوم می‌داشتند. اگرچه پرسشنامه به کار گرفته شده در هر منطقه یک نسخه محلی شده و بومی از پرسشنامه‌های پیمایش جمعیتی و سلامت^۲ بود، اما بیشتر بخش‌های آن محقق ساخته بود. داده‌های پیمایشی به دست آمده از پرسشنامه خانگی DHS برای ارزیابی سطوح ازدواج کودکان مورد استفاده قرار گرفتند تا همچنین تحلیل بسط یافته تری از اینکه چگونه ازدواج زود هنگام کودکان با شاخص‌های تعیین گر خود همبستگی پیدا می‌کند به دست می‌دهد. DHS پیمایش‌های خانگی معرف ملی هستند که جهت اندازه‌گیری سلامت و وضعیت تغذیه زنان و کودکان در کشورهای در حال توسعه طراحی شده اند^۳.

پرسشنامه‌های DHS به عنوان مجموعه‌های بی نقص و سازمان یافته سؤالات، دارای حداکثر اعتبار استاندارد و روایی تعریف شده اند. با این حال با عطف به تفاوت‌های خاص فرهنگی و تنوعاتی که در هر ناحیه موجود بود، اعمال تغییرات و تنظیم سؤال‌ها در مناطق مورد بررسی ما الزامی می‌نمود. برای استفاده از سؤالات استاندارد DHS در این تحقیق، انجام تعدیل‌های سازگار فرهنگی برای ترجمه پرسشنامه به زبان محلی ضروری بود.

۱. نمونه‌گیری خوشه‌ای یک روش از نمونه‌گیری است که در آن گروه‌های مختلف درون یک جمعیت آماری به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند.

۲. DHS

۳. برای اطلاعات بیشتر در خصوص پیمایش های DHS به آدرس زیر مراجعه کنید:

گویه‌های ساختار یافته در پرسشنامه با موضوعات زیر آورده شدند: پیش زمینه پاسخگو، ازدواج، تصمیم گیری‌های ازدواج، باروری زنان، باروری مردان، نگرش‌های جنسیتی، مواجهه با پیام‌های پیش گیرانه ازدواج کودکان، خشونت جنسی زنان، خشونت خانگی مردان. پرسشنامه بر میزان رواج و علل ازدواج کودکان در مناطق مورد مطالعه تمرکز داشت. پرسشنامه مذکور، تنها در مصاحبه با افراد محلی مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه همچنین شامل مصاحبه با مسئولین، شخصیت‌های حکومتی، دینی و رهبران محلی هم بود. سؤالات مطرح شده به تناسب اینکه فرد مصاحبه شونده در چه زمینه‌ای تأثیرگذار و مطلع بود، بر حوزه‌های خاصی متمرکز می‌شد و روند مصاحبه‌ها به لحاظ ساختاری متفاوت بود. در حین اولین مرحله نقشه‌برداری و غربالگری تمامی نواحی، مصاحبه‌هایی با افراد مطلع محلی و شبکه همکاران ترتیب داده شد تا درک روشن و عمومی تیم پژوهشی را در خصوص استان مورد بررسی بالا برند. در بخش‌های دیگر گزارش این امر به عنوان مراحل غربالگری مشاهده‌ای مورد بحث قرار گرفته‌اند. در سراسر قسمت‌های زیر اطلاعات مربوط به هر استان به چند بخش مختلف تقسیم شده‌اند: محدوده جغرافیایی: این بخش اطلاعات عمومی در مورد نواحی را فراهم می‌کند و بحث‌های وضعیت سیاسی، فرهنگی، جمعیت شناختی و اجتماعی هر منطقه و همچنین رتبه و درجه‌اش در میزان رواج کودک همسری را به پیش می‌کشد. تحلیل زمینه‌ای: دانش در خصوص هنجارهای اجتماعی و رسوم هر نقطه جغرافیایی خاص در این بخش پرداخته شده است. با موشکافی داده‌های حاصله از پرسشنامه، سومین و آخرین بخش به نتایج تحلیلی و آمارهای توصیفی و استنباطی کار میدانی اختصاص یافته است.

مهریه موضوع مهمی در زمانبندی ازدواج کودکان است. کودکی و جوان بودن به عنوان عاملی تعیین می‌شود که ارزش عروس را بالاتر می‌برد. یک دختر جوان زمان بیشتری برای وقف کردن و فرزند آوری برای خانواده جدیدش دارد. این مبادلات مالی باعث می‌شود که حجم زیادی از پول در این میان دست به دست شود. اغلب این دختران در وصلت‌های زناشویی به اغنیا فروخته می‌شوند و سرنوشت وهم آوری از تجاوز زناشویی، خشونت و سرکوب را تجربه می‌کنند (CARE، ۱۳۹۴). میزان مهریه ممکن است در شرایط مختلف متغیر باشد. برای مثال در برخی مناطق مهریه بستگی به شناخت از خانواده داماد دارد. اگر داماد فردی غریبه و خارج از طایفه باشد، مهریه بالاتر از زمانی است که وی یکی از همزاده‌ها است. به طور کلی، صرف نظر از میزان مهریه، این هزینه به شکل پول یا طلا به ندرت به عروس پرداخت می‌شود. در برخی طوایف بخشی از پول قبل از ازدواج به خانواده دختر پرداخت می‌شود و بخش دیگر آن، که در اصل متعلق به شخص عروس می‌باشد، تقریباً هرگز به وی داده نمی‌شود. مطابق قوانین اسلامی این مهریه بایست عندالمطالبه بوده و به محض درخواست زن از شوهر، به وی پرداخت گردد، اما واقعیت تلخ این است که وی سهم حقوقی و شرعی خود یعنی مهریه را تنها زمانی دریافت می‌کند که تقاضای طلاق کرده و قانون مرد را ملزم به پرداخت آن کند.

”دخترم فاطمه ۱۴ سالشه، ۱۳ سالش بود که ازدواج کرد. خیلی دختر خویبه. پدرش ده ساله زندانه به خاطر مواد مخدر. فاطمه رو مفت دادم. چون پسره گفت کاگر ساده ام گفتم باشه ببر. دوست داشتم قیمتش بالا باشه. اینجا هر چی دختر جوون تر باشه پولشم بیشتره. نهایتاً یک میلیون میدن. بعضیا هم صد تومن، دویست تومن میدن. اما من مفت دادمش“

پاسخگوی زن -تایباد

استان خراسان رضوی

از طرفی شیوه‌ای که در آن اجزای جامعه شکل گرفته شامل زندگی در قبیله‌ها و متعلقات سبک زندگی خویشاوندی است. زوج‌هایی که زندگی زناشویی شان را با تکیه بر منابع خانوادگی و حمایت عاطفی و مالی آغاز می‌کنند سیستم سلسله مراتبی خویشاوندی و پذیرش بی چون و چرای پدرسالاری را با زندگی در کنار والدین خانواده داماد می‌دهند. بعنوان یک رسم در برخی از قبیله‌ها، تا زمانی که پسر جوان تر نامزد نکرده باشد، پسر بزرگتر که ازدواج کرده است نمی‌تواند از والدین خود جدا شود و با آنها زندگی خواهد کرد. این انطباق اجتماعی، که ریشه در سنت‌های مذهبی، شیوه‌های اجتماعی، عوامل اقتصادی و تعصبات دارد، منجر به وابستگی مداوم و عدم وجود قدرت در زن و شوهرهای جوان می‌شود. از آنجایی که ازدواج‌ها بیشتر در خانواده برنامه ریزی می‌شود، عروس بسیار جوانی که با خانواده شوهرش زندگی می‌کند مسلماً بخشی از فرایند تصمیم‌گیری نیست.

تقریباً تمامی پاسخگویان در این مطالعه ذکر کردند که رسم ازدواج ناف بری یا برای خودشان، بستگانشان یا یکی از کسانی که می‌شناختند، صورت گرفته است. این رسم فراگیر به این معناست که دو نوزاد با رضایت والدینشان به نامزدی هم درمی‌آیند و قرار بر این است زمانی که بزرگ شدند باهم ازدواج کنند.

رواج این پدیده به طرز چشمگیری در همه روستاهای مورد بررسی بالا بود. تقریباً تمامی پاسخ دهندگان به این سنت پایبند بودند. اگرچه شریک ازدواج زمانی که طفل هستند برای افراد انتخاب می‌شود، با وجود این دختر و پسر جوان همانطور که بزرگتر می‌شوند می‌توانند ازدواج با شریک از پیش تعیین شده شان را رد کنند. منطق این عمل حفاظت از آینده بچه‌ها و تضمین ازدواج آنهاست. همان طوری که توسط افراد مطلع محلی گفته شد، فرد می‌تواند این وصلت نانوشته را در بزرگسالی اش لغو کند و تصمیم بگیرد که با کس دیگری ازدواج کند. بر اساس پاسخ‌هایی که از خود پاسخگویان شنیدیم رد کردن ازدواج چیزی ست که معمولاً اتفاق می‌افتد. حق شکستن این پیمان توسط جامعه به فرد داده شده ولی به طور عمومی امری تقبیح شده است، زیرا نگهداشتن چنین پیمان‌های خانوادگی و قبیله‌ای بسیار مهم تلقی می‌شود. در واقع هنگامی که ازدواج در داخل خانواده برنامه ریزی می‌شود، هیچ ضرورتی برای ثبت آن وجود ندارد. خانواده‌ها به وضوح نیازی به اصرار برای ازدواج قانونی احساس نمی‌کنند.

”سن ازدواج برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۵ سال به بالا خوب است. من خواهر و دو خواهر زاده ام در سن ۱۳ سالگی و کمتر ازدواج کرده اند و بسیار هم راضی هستند. ازدواج سن بالا محتمل است به طلاق کشیده شود. دختر ۱۳ ساله بعد از آنکه صلاح دانسته شد ازدواج کند مشکلی نیست اگر جثه دختر بزرگ بود بهتر و ازدواج جایز است. ولی حتماً باید دیندار باشد.“

مولوی عبدالصمد جزیکی

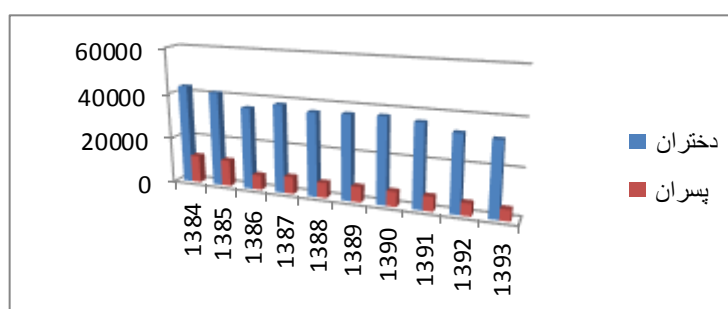
استان سیستان و بلوچستان

دخترانی که که در کودکی ازدواج می‌کنند، در معرض خطرات خشونت از جانب شوهرانشان یا خانواده شوهرشان قرار دارند. آن‌ها در مقایسه با دخترانی که بعدها ازدواج می‌کنند، مداوماً در معرض کتک و تهدید قرار می‌گیرند. در این میان هر چه شکاف سنی میان دختر و شوهرش بیشتر باشد، احتمال تجربه خشونت جنسی و زناشویی نیز بالا می‌رود (دختران نه عروسان، ۱۳۹۳). مطالعات دیگری همبستگی میان تفاوت شکاف سنی و پیامدهایش را نشان داده اند؛ هرچه دختر در زمان ازدواجش جوان تر می‌بود، شکاف و تفاوت سنی میان او و شوهرش نیز عمیق تر بود (طرح بریتانیا، ۱۳۹۳). این فاصله سنی معمولاً

دختران را در مقابل خشونت خانگی و تجاوز زناشویی آسیب پذیر می‌کند. حتی دخترانی که امکان طلاق گرفتن از شوهر متجاوزشان را دارند نیز شکننده و آسیب پذیر هستند زیرا قدرت کسب درآمد، تحصیلات و حمایت مالی اندکی دارند. گروه‌های حقوق بشری مواردی را گزارش داده اند که دختران پس از تلاش برای فرار از وصلت مورد سوء استفاده قرار گرفته اند. عروسان نیز اگر در چنین سنین پائینی بیوه شوند، خود را بی دفاع و بدون هیچ حمایتی می‌یابند که بدین وسیله قادر به بزرگ کردن کودکانشان نخواهند بود

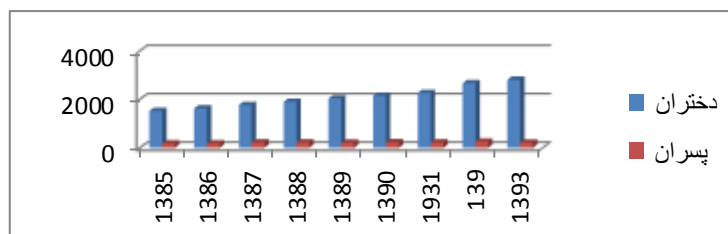
نتایج پیمایش

شکل یک رواج ازدواج زودهنگام در ده سال اخیر در استان خراسان رضوی را نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است ازدواج کودکان در آن منطقه هنوز رایج ولی تمایل به چنین ازدواجی رو به کاهش است. میانگین ازدواج کودکان در میان دختران نسبت به پسران زیادتر می‌باشد.



نمودار ازدواج زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان خراسان رضوی

برخلاف کاهش اندک در ازدواج زودهنگام کودکان، با افزایش نرخ طلاق در این استان در مقایسه با یک دهه گذشته مواجه هستیم.

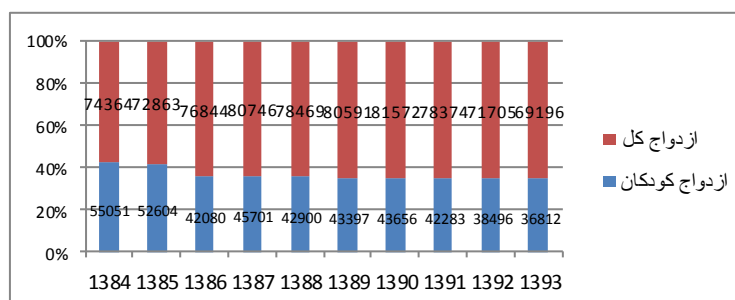


نمودار طلاق زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان خراسان رضوی

تحلیل دقیق هر دوی نمودارهای فوق نشانگر این است که ازدواج زود هنگام کودکان تأثیر ژرف تری بر روی دختران دارد تا پسران. باوجود اینکه پسران نیز در معرض ازدواج زود هنگام قرار دارند، بدون هیچ تناسبی تحت تأثیر پدیده کودک همسری بوده و بیشترین قربانیان ازدواج کودکان هستند. چنین اثراتی برای دختران ورای بلوغ و بزرگسالی است (بیگم، ۱۳۹۳). بسیاری از جنبه‌های زندگی شان توسط مردان مسن تری که آنها را تنها خدمتکاران خانگی و جنسی می‌پندارند، کنترل می‌شود. هرچه تفاوت سنی بالاتر باشد، احتمال بی قدرتی دختران و خطرات خشونت، سوء استفاده یا استثمار آنها بیشتر خواهد بود. گاهی مشکلات دختران زمانی آغاز می‌شود که با بچه‌هایشان وارد خانه‌ای می‌شوند که در آن مدام توسط شوهرانشان ترک می‌شوند (مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان، ۱۳۸۶: ۱۰).

از غالب‌ترین نیروها، مفاهیم مرد سالارانه و میل به انقیاد زنان جهت کنترل امیال جنسی آنهاست. مسئله پیچیده ازدواج کودکان ریشه در نابرابری جنسی و باور به مادون بودن زنان و دختران نسبت به مردان و پسران است. فقر، کمبود تحصیلات، اعمال فرهنگی و ناامنی، وجود کودک همسری را تشدید و تقویت می‌نماید زیرا دختران به اندازه پسران ارزشمند محسوب

نشده و به عنوان باری بر دوش خانواده شان دیده می‌شوند. ازدواج با یک دختر جوان در سنی پایین می‌تواند به عنوان راهی برای تخفیف مشقت‌های اقتصادی، با حواله کردن این بار به شانه خانواده‌ای دیگر تلقی شود (تامسون، ۱۳۸۲). مشابهاً، نرخ‌های طلاق نیز در میان دختران جوان در مقایسه با پسران به خاطر همان عوامل چندگانه‌ای که بر شمار مشکلات اجتماعی دختران می‌افزاید، رشد پیدا کرده‌اند. شمار زیادی از ازدواج‌ها در سنین خردسالی به طلاق در سن خردسالی کشیده شده‌اند. دخترانی که جوان ازدواج می‌کنند بیشتر محتمل به طلاق در سنین پایین می‌باشند. کودک عروسان همواره فاقد قدرت و وابسته به شوهرانشان هستند. سالانه نرخ‌های طلاق رو به افزایش نهاده‌اند و این امر دختران را با مشکلات بیشتر اجتماعی مواجه کرده است؛ مشکلاتی که به عنوان یک کودک بیوه یا کودک مطلقه قادر به دست و پنجه نرم کردن با آن نیستند. مسئولیت‌هایی که دختر بچه در تبدیل شدن به "همسر"، سپس "مادر" و سپس "بیوه" به دوش می‌کشد فاجعه بار است. این دختران در صورتی که شوهرانشان ترکشان کند، بمیرد یا طلاقشان دهد، نسبت به فقر پایدار آسیب پذیرترند. با این وصف که دختران در ازدواج زود هنگام به طرز قابل توجهی از شوهرانشان کوچکترند، زودتر هم بیوه شده و با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به مدت مدیدی از زندگی شان رو به رو خواهند شد. ابعاد این مسئله با افزایش جمعیت جوان در کشورهای در حال توسعه دامن گیرتر می‌شود (یونیسف، ۱۳۹۲). علاوه بر این چون ازدواج کودکان یک قرارداد اتحاد درون خانواده‌ای محسوب می‌شود، شکستن آن -یعنی طلاق- می‌تواند عواقب جدی‌ای برای خانواده‌ها و برای دختر داشته باشد. حتی دخترانی که امکان طلاق گرفتن از شوهر سوءاستفاده گر یا بدرفتار خود را دارند نیز در خطرند زیرا قدرت کسب درآمد، تحصیلات و حمایت مالی اندکی دارند.



نمودار ۳ نرخ ازدواج کودکان در خراسان رضوی در بازه ی ده ساله

بررسی نسبت ازدواج زودهنگام کودکان در دهه اخیر حاکی از این است که سهم ازدواج کودکان در مجموع ازدواج‌های هر ساله، همواره بیش از ۳۵ درصد را نشان می‌دهد. این حقیقت، بازتابی از هنجارهای فرهنگی‌ای است که در درون یک سیستم اجتماعی زاده می‌شوند تا به موازات کودک همسری پیش روند. با این حال، همچنان که یافته‌های جدول سوم نشان می‌دهد، این عمل در سراسری کاهش قرار گرفته است.

مطابق با جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، طی پاییز سال گذشته (۹۹)، ۷۳۱۷ ازدواج دختر بچه ۱۰ تا ۱۴ ساله و پنج ازدواج پسر بچه کمتر از ۱۵ سال به ثبت رسیده است. مطابق با این گزارش در پاییز ۹۹ آمار ازدواج دختران کمتر از ۱۰ سال صفر است. همچنین در همین بازه زمانی ۳۶۹۵۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله و ۵۱۳۹ پسر ۱۵ تا ۱۹ ساله ازدواج کرده‌اند.

۱۰-۲- تعداد رویدادهای ازدواج برحسب سن مردان و زنان در زمان ازدواج^(۱)

دوره	مردان											زنان			
	کمتر از ۱۵ سال	۱۵-۱۹ ساله	۲۰-۲۹ ساله	۳۰-۳۹ ساله	۴۰ ساله و بیش‌تر		کمتر از ۱۰ سال	کمتر از ۱۵ سال	۱۵-۱۹ ساله	۲۰-۲۹ ساله	۳۰-۳۹ ساله	۴۰ ساله و بیش‌تر			
					۴۰-۴۹ ساله	۵۰ ساله و بیش‌تر									
سال ۱۳۹۵	۲۸	۲۴۶۰۲	۴۴۱۷۸۸	۱۵۸۳۹۱	۲۴۸۲۰	۲۰۸۵۶	۳	۳۵۵۱۶	۱۸۷۴۴۵	۳۲۸۵۵۴	۹۵۱۷۸	۲۳۷۸۹			
سال ۱۳۹۶	۴۲	۲۲۱۳۵	۳۸۹۸۱۶	۱۵۳۵۲۵	۲۴۴۹۱	۲۰۶۴۸	۴	۳۳۳۵۶	۱۶۹۱۰۴	۲۸۹۶۲۳	۹۳۹۷۶	۲۴۵۹۴			
سال ۱۳۹۷	۲۸	۱۹۹۶۱	۳۴۳۷۵۰	۱۴۵۲۹۱	۲۴۴۵۶	۲۰۶۴۵	۲	۳۰۵۰۶	۱۵۰۸۳۰	۲۵۵۷۸۶	۹۰۷۸۰	۲۶۲۲۷			
سال ۱۳۹۸	۲۲	۱۸۸۵۷	۳۲۲۱۷۰	۱۴۶۳۱۹	۲۵۲۲۸	۲۰۵۷۸	۲	۲۸۳۷۳	۱۴۵۲۳۶	۲۴۰۷۲۵	۹۰۸۰۲	۲۸۰۱۶			
پاییز ۱۳۹۷	۳	۳۹۲۳	۶۳۴۷۷	۲۷۰۷۲	۵۰۶۲	۴۶۶۳	۰	۵۸۴۷	۲۸۰۸۹	۴۶۸۷۶	۱۷۶۲۰	۵۷۷۸			
زمستان ۱۳۹۷	۴	۴۱۴۴	۷۲۰۷۲	۳۳۸۷۵	۶۲۰۶	۵۴۴۸	۰	۶۲۸۰	۳۱۲۰۵	۵۵۴۳۰	۲۱۸۴۰	۶۹۹۴			
بهار ۱۳۹۸	۱۱	۵۱۵۰	۹۰۴۲۶	۳۹۳۳۴	۶۲۷۰	۵۰۲۲	۰	۸۰۵۴	۳۹۰۶۹	۶۸۰۶۹	۲۴۳۲۸	۶۶۸۳			
تابستان ۱۳۹۸	۳	۵۲۱۰	۹۳۷۱۸	۴۱۱۱۰	۶۸۲۳	۵۴۶۳	۰	۸۰۶۷	۴۳۰۳۲	۶۸۵۲۴	۲۵۳۲۴	۷۵۷۹			
پاییز ۱۳۹۸	۴	۴۲۰۲	۶۹۰۶۷	۳۱۷۱۸	۵۷۵۵	۴۸۵۶	۰	۶۳۳۵	۳۱۸۵۱	۵۱۲۶۲	۱۹۷۱۱	۶۵۴۳			
زمستان ۱۳۹۸	۵	۴۰۹۵	۶۸۹۵۹	۳۴۲۵۷	۶۳۸۰	۵۲۳۷	۲	۶۰۱۷	۳۱۲۸۴	۵۲۸۹۰	۲۱۵۲۹	۷۲۱۱			
بهار ۱۳۹۹	۵	۴۸۸۹	۷۸۱۱۵	۳۴۸۶۹	۵۹۵۸	۴۶۳۲	۱	۷۳۶۹	۳۶۲۳۹	۵۶۸۴۵	۲۱۳۴۳	۶۶۷۱			
تابستان ۱۳۹۹	۴	۵۹۸۲	۹۵۸۹۷	۴۶۱۰۱	۸۳۶۹	۶۰۹۹	۰	۹۱۱۱	۴۴۴۳۱	۷۱۰۹۸	۲۸۶۳۹	۹۱۷۳			
پاییز ۱۳۹۹	۵	۵۱۳۹	۷۶۸۸۳	۳۶۱۰۳	۶۷۱۸	۵۴۵۷	۰	۷۳۱۷	۳۶۹۵۲	۵۵۹۸۲	۲۲۰۹۴	۷۹۶۰			

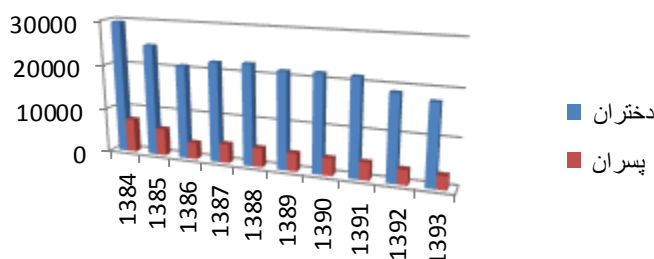
(۱) اختلاف احتمالی در جمع آمارهای فصلی با آمار سالانه به دلیل اختلاف در تاریخ گزارش گیری از پایگاه می باشد.
ماخذ: سازمان ثبت احوال کشور.

پیش زمینه

اکثریت پاسخگویان در فاصله سنی ۲۵ الی ۳۰ ساله قرار داشتند. در این بازه سنی ۸۲ درصد را زنان و ۱۸ درصد را مردان تشکیل می دادند که با شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شده بودند. ۵۲٫۵ درصد از ایشان هم اکنون ازدواج کرده و ۴۲٫۵ درصد مجرد و ۵ درصد از آن ها مطلقه بودند. ۴۲ درصد از افراد همراه زن یا شوهرشان و ۴۰ درصد از آن ها با خانواده همسرشان زندگی می کردند. پاسخگویان دامنه متنوعی از ملیت ها را تشکیل می دادند؛ یعنی فارس (۵۵ درصد)، ترک (۳۵ درصد)، کرد (۵ درصد) و افغان (۵ درصد). میانگین سن شروع وظایف دینی در میان ۶۵٫۵ درصد از پاسخگویان سن ۹ سالگی بود.

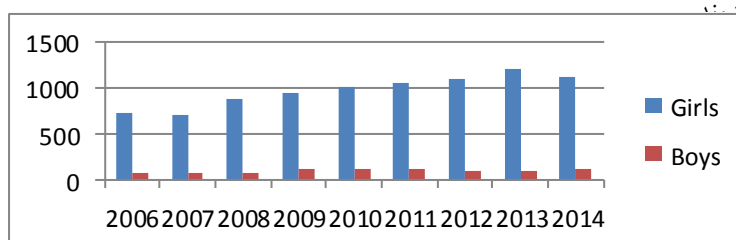
ازدواج کودکان به مجموعه ای از پیامدهای منفی برای دختران خردسال ارتباط داده شده است و این امر در هیچ جای دیگری به اندازه مقوله تحصیلات خود را نشان نمی دهد. ازدواج کودکان دستیابی دختر بچه ها را به تحصیلات و آموزش سلب می کند، این بیانات به شدت مستند بوده و قابل اثبات می باشند. کودک همسری مغایر با به مدرسه رفتن دختران و حق تحصیل آن هاست که خود لازمه رشد فردی و سهم اثرگذار آن ها در بهبود و سامان آینده جامعه می باشد. دختران معمولاً زود از مدرسه بیرون کشیده می شوند و رشد و توسعه آموزشی آن ها به پایان می رسد. کمبود تحصیلات در میان دختران آن ها را ضعیف و آسیب پذیر می نماید. ترک تحصیل به خاطر ازدواج، فرصت های وی را برای تبدیل شدن به فردی خود-متکی و مستقل می کاهد. دخترانی که در خردسالی ازدواج می کنند، بیشتر احتمال می رود که در سنین پایین نیز طلاق داده شوند. تحقیق نشان داده است که ۲۷ درصد از قربانیان ازدواج زودهنگام هنوز در حال تحصیل هستند و ازدواج دلیل عمده ترک مدرسه برای ۴۵ درصد از افراد بود تا بتوانند کارهای خانه داری و وظایف بچه داری را به انجام برسانند. اکثریت پاسخگویان تنها تحصیلات ابتدایی داشتند و تنها ۱۰ درصد از آنها این شانس را یافته بودند که تحصیلاتشان را تا کلاس دوازدهم (پایان دبیرستان) ادامه دهند. در ۵۷٫۱ درصد از موارد زن قبل از ازدواج به مدرسه می رفته است، و در ۷۴٫۱ درصد موارد به وی قول ادامه تحصیل پس از ازدواج داده شده بود اما این امر در واقعیت تحقق پیدا نکرد.

تحلیل و بررسی جامع دختران و پسران کم سن و سال چندین حقیقت را آشکار می‌نماید. ازدواج برای دختران جوان زیر ۱۸ سال بسیار بالاتر از میزان ازدواج پسران در همین سن است، اما همان طور که در نمودار مشخص است، در یک دورنمای ده ساله روند نزولی آن انتظار می‌رود.



نمودار ۴ فراوانی ازدواج زیر ۱۸ سال در استان خوزستان

برخلاف ازدواج زودهنگام که در طولانی مدت رو به کاهش است، سنین طلاق هر سال کودکان بیشتری را هدف قرار می‌دهد. هرساله شمار بیشتری از کودکان در گروه‌های سنی زیر ۱۸ سال طلاق می‌گیرند و کودک بیوه به حساب می‌آیند. در این جا نیز، دوباره این مسأله زنان را بیشتر از مردان قربانی می‌کند. دختران آسیب پذیر و مطلقه زیر ۱۸ سال بیشتر از پسران خردسال مطلقه دیده می‌شوند.



نمودار ۵ فراوانی ازدواج زیر ۱۸ سال در استان خوزستان

راهکارها و نتایج :

ازدواج زودهنگام کودکان یک پدیده جهانی و شناخته شده است که در سال‌های اخیر آگاهی و شناخت از اثرات مخرب آن توجه تعداد بسیار زیادی از محققان و رهبران دنیا را به خود جلب کرده است. ضدیت بین‌المللی و محکومیت ازدواج زودهنگام کودکان وضوح و جهت‌گیری روشن‌تری یافته است. جامعه بین‌المللی برنامه توسعه پایدار جهانی^۱ را در تعویق اثرات زیان‌بار ازدواج زودهنگام کودکان تأثیرگذار شمرده است. در ساختار "اهداف توسعه هزاره^۲ مصوب سال ۱۳۸۲ هدف دگرگونی‌سازی جهانمان: سازوکار سال ۱۴۰۹" برای توسعه پایدار در سال ۱۳۹۴ توسط سازمان ملل مطرح شد تا در ریشه‌کن‌سازی فقر و رسیدن به توسعه جامع تا سال ۱۴۰۹ کمک کنند. در بین ۱۷ هدف توسعه پایدار و ۱۶۹ هدف زیرمجموعه‌ای آنها، هدف ۵-۳ "زدودن تمامی اعمال آسیب‌زا از جمله ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان و ناقص‌سازی اندام جنسی زنان"، هدف زیرشاخه‌ای ۵ "رسیدن به برابری جنسی و توانمندسازی تمامی زنان دختران و زنان" را شامل می‌شود (اکپات، ۱۳۹۴).

بالحال، آنچه در میان بحث‌ها و مناظرات ازدواج کودکان ناگفته مانده، سکوت گوش‌خراش در مورد وقوع و رواج این رسم در ایران است. در جامعه ایران علی‌رغم اقدامات و خط‌مشی‌های بسیاری که در این زمینه صورت گرفته، هنوز بسیاری از آن‌ها ناشناخته و بسیاری دیگر مسکوت مانده‌اند. در ایران بسیاری از والدین به واسطه هنجارهای جنسی و اجتماعی از پیش تعیین‌شده، فقر یا

^۱. Global Sustainable Development

^۲. MDGs

بحران‌های انسانی ترغیب به پیروی بی‌چون‌وچرا از رسوم ازدواج زودهنگام کودکان شده‌اند. هدف از این کتاب معاضدت به درک و آشکارسازی کودک همسری در ایران بوده است. این تحقیق سعی دارد بخشی از تعهد جهانی جهت متوقف‌سازی ازدواج کودکان در تمامی اشکال آن باشد. ادبیات تحقیقی ایران در خصوص ازدواج کودکان کاملاً حاشیه‌ای باقی‌مانده است. این کتاب با تحلیل مفهومی واقعیات زندگی کودک عروسان که به‌اجبار وارد وصلت‌های زناشویی شده‌اند، مروری توصیفی از ازدواج کودکان و اثراتش را فراهم می‌کند.

یافته‌های این مطالعه جامع‌ترین و بزرگ‌ترین تحقیق جغرافیا محور بر حول محور هفت استان عمده رواج ازدواج کودکان دال بر این است که ایران خاستگاه اعمال کنندگان کودک همسری ست. این رسم به‌عنوان یک نهادِ تکریم شده اجتماعی و جهانی تعریف شده است که نه تنها در مناطق شهری و روستایی رواج داشته، بلکه در حقیقت به اتفاقی روزمره در مقابل هنجارهای جنسی نهفته در فرهنگ و کلیشه‌های جنسی تبدیل شده است. دلالت‌های ازدواج زودهنگام دختران فراتر از به دام افتادن بی‌رحمانه این دختران خردسال در هنجارهای فرهنگی آسیب‌زاست، زیرا ازدواج زودهنگام کودکان اثرات چشمگیر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و سلامتی را در پی دارد که نه تنها توسعه پایدار جهانی را به تأخیر می‌اندازد بلکه نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

اگرچه درصد کلی ازدواج کودکان در جامعه در مقایسه با نسل‌های پیشین کاهش یافته، سن ازدواج در برخی از شهرستان‌ها و شهرهای بزرگ‌تر ایران به طرز قابل‌ملاحظه‌ای بالا رفته است. این امر می‌تواند تا حدودی به این دلیل باشد که به تأخیر انداختن ازدواج به اتمام تحصیلات دانشگاهی، یافتن شغل یا صرفاً لذت بردن از دوران جوانی ختم می‌شود. با در نظر داشتن اینکه زندگی مدرن همواره تعامل میان دو جنس را دربرمی‌گیرد، دختران و پسران جوان در ارتباط بیشتری با یکدیگر بوده و بسیاری از آن‌ها تصمیم می‌گیرند که ازدواجشان را به تعویق بیندازند.

اولین اصل عمده، توجه به ذات پژوهش است که یک ماهیت مسئله محور^۱ می‌باشد. جهت و ارزش هر پژوهش اجتماعی به میزان ارتباطش با مسائل و مشکلات واقعی بستگی دارد. ازدواج زودهنگام کودکان و ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان هر دو به یک بستر فرهنگی عمیق در جامعه ایرانی گره‌خورده‌اند (جایی که ختنه کردن زنان به وجود آمد) و بنابراین موضوعات مسئله محوری بوده که مستلزم صرف زمان و تلاش زیادی‌اند. با در نظر داشتن اینکه پردازش به تحقیقات مسئله محور و متغیر علوم اجتماعی از اهم ضروریات است، راهکارها و راه‌حل‌های ما تبع آن نیز بایست انعکاسی از ماهیت مسئله خیز پدیده ازدواج زودهنگام کودکان باشد.

چنانکه موضوع ازدواج کودکان منحصراً بر روی جامعه ایران تمرکز داشته، هر قدم که در راستای این تحقیق برداشته شده به‌دقت محلی شده و در هماهنگی با خصوصیات ویژه فرهنگ ایرانی قرار گرفته است. بر اساس نتایج یافته‌ها، اطلاعات بومی شده و مشخصی هم‌اینک در اختیار هر بخش از نواحی موردبررسی قرار دارد. جهت تحلیل کودک همسری در حوزه زندگی اجتماعی از پرسشنامه‌هایی به‌عنوان ابزار تحلیل در خصوص حوزه‌های اجتماعی زیر استفاده شد: پیش‌زمینه فردی، بعد خانواده و وضعیت آن، باورهای دینی، سطح وابستگی به ازدواج کودکان، وضعیت دینی والدین، سطح تحصیلی، اطلاعات باروری پاسخگویان زن و مرد، هنجارهای ازدواج، ثبت آن، رسوم زناشویی، سطح قرار گرفتن در معرض پیام‌های پیشگیری از کودک همسری^۲، نگرش‌های جنسیتی خانواده و تصمیم‌گیری‌های فردی، تجربه خشونت جنسی زنان و تجربه مردان از خشونت خانگی. از این منظر یافته‌های تحقیق در مورد اثرات ازدواج زودهنگام کودکان بر شرایط اجتماعی به‌صورت تصویری درآمده که زمینه را برای ارائه توصیه‌های منسجم و فعالیت‌های اصلاحی فراهم می‌نماید.

این منابع اطلاعاتی ارزشمند برای برجسته‌سازی نواحی بهبودیافته در تمامی استان‌ها موردنیاز است. همان‌طور که قبلاً گفته شد، ازدواج زودهنگام کودکان تنها در بافت‌های فرهنگ خاص خودش است که منطق و عقلانیت می‌یابد. بدون در نظر گرفتن تمامی حوزه‌های اجتماعی ذکرشده در بالا، هر حرکتی به سمت بهبود و پیشرفت ائتلاف منابع، زمان و سرمایه خواهد بود. جای

1. Problem-centered

2. Exposure to preventing messages

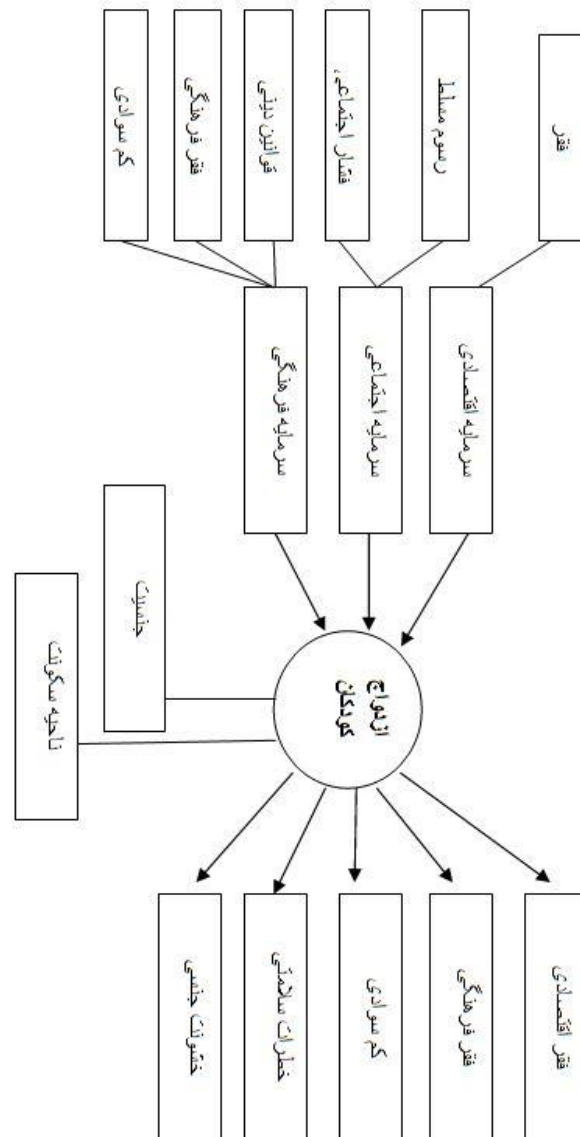
تعجب است که سیاست‌گذاری‌های مدیریتی یا جمعیت‌شناختی تاکنون در ریشه‌کن‌سازی ازدواج زودهنگام کودکان توفیق چندانی نداشته‌اند، زیرا همواره غفلتی تأسف‌آور ولی ناخواسته به مسائل خاص محلی وجود داشته است. از این‌رو هدف، فراهم ساختن اطلاعات دست‌اول برای دولت، سازمان‌های غیردولتی^۱، محققان، دانشگاهیان، فعالان اجتماعی و کسانی که مدافع برابری جنسی و توانمندسازی زنان و کودکان در جوامع مردسالار هستند است، تا به‌وسیله این دانش تصمیمات و خط‌مشی‌های نوین و راهگشایی را اتخاذ نمایند. این مطالعه با پیشنهاد دادن مجموعه اقدامات مقابله‌گرانه، در پی آغازیدن مباحثات و فراخان به مقابله با ازدواج کودکان می‌باشد. علاوه بر این، این تحقیق خواهان شدت بخشیدن به بحث‌ها و به جنبش درآوردن اقدامات محرک و تعهدسازی در حوزه نمایش بزرگ‌تری است.

ازدواج زودهنگام کودکان توسط مردمان محلی مانند ابزاری برای نگهداشت افتخار و شأن خانواده حمایت می‌شود. به ازدواج کودکان به‌عنوان پاسخی منطقی و هنجاری در مواجهه با مفاهیم جنسی و کنترل مردسالارانه در ایران تأکید شده است. ازدواج زودهنگام کودکان نقض بافت اجتماعی حقوق کودک است. شناخت الزام‌آوری از ماهیت کودک همسری وجود دارد که به تحریف اساسی حقوق بشر و ممانعت از لذت بردن از حقوق و آزادی‌های بنیادی می‌انجامد. مادامی‌که برنامه‌های عملی جهت رفع این پدیده به جریان درنیایند، ازدواج کودکان یکی از موانع اصلی و عمده احقاق حقوق بشر باقی می‌ماند. شمار کثیری از عاملان محلی و بین‌المللی حقوق بشر، جنبه‌های به هم مرتبط ازدواج کودکان را رویکردهای موضوعی متنوعی می‌دانند که توسط والدین و جامعه اتخاذ می‌شوند. دولت به‌شخصه توجهی به این پدیده نکرده و خود از ادامه دهنگان آن به شمار می‌آید. جایگاه غالب ازدواج کودکان در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی و جنسی، هنجارهای ضمنی، کلیشه‌های جنسی، فشار اجتماعی و سختی‌های خانوادگی همچنان تداوم می‌یابد. تغییر این وضعیت نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدید و یافتن راهکارها و قبول هنجارهایی است که بازتابی از برابری جنسیتی باشند.

ازدواج زودهنگام کودکان یک بیماری اجتماعی است و تمامی بیماری‌ها را نمی‌توان با یک روش یکسان تسکین و درمان کرد. ازدواج زودهنگام کودکان هم علت و هم معلولی از خشونت علیه کودکان است. قدرت مسلط مردانه که امیال جنسی، باروری و شکل‌گیری کودک همسری را به‌عنوان گزینه‌ای برای فرار از فقر و خشونت بر مبنای جنسیت قرار می‌دهد، باید در نظر گرفته شود. راهکار این پدیده آسیب‌زا و مخرب باید به‌قدر کافی انعطاف‌پذیر باشد که بتواند تفاوت‌های ظریف را و اینکه چگونه در قلمرو جغرافیای هر منطقه جواب مؤثر باشد، موردتوجه قرار دهد. داده‌های کمی و کیفی در مورد ازدواج کودکان جمع‌آوری شده و بر مبنای جنسیت، موقعیت جغرافیایی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سایر عوامل کلیدی دیگر تحلیل شده است تا این فرایند را بازنمایی کند. ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام زمانی محقق خواهد شد که اطلاعات به‌روز در دسترس ارگان‌های حکومتی و مسئولینی که می‌توانند تصمیمات عاقلانه و خطیری برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام بگیرند، قرار گیرد. متأسفانه آنچه فقدان آن از لحاظ تاریخی در این میان احساس می‌شود مطالعات دانشگاهی و تحقیقاتی است که در اختیار سیاستمداران دولتی قرار گیرد.

یافته‌های تحقیقات و نتایج بررسی‌ها را می‌توان در مدل تحلیلی ذیل خلاصه کرد که روابط میان چندین متغیر مستقل و محرک ازدواج کودکان را نشان می‌دهد. پیامد ازدواج کودکان به‌عنوان یک متغیر مستقل جدید، که متغیرهای وابسته دیگری را شکل می‌دهد در سمت راست مدل نشان داده شده است. جنسیت و محل سکونت (شهر یا روستا) به‌عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده‌اند.

1. NGOs



واکنش به ازدواج کودکان ممکن است به لحاظ جغرافیایی و فرهنگی متفاوت باشد. آنچه ممکن است در برخی استان‌ها به طرز مؤثری عملی شود، می‌تواند این پدیده را در جاهای دیگر تشدید نماید. آنچه در یک قومیت و فرهنگ قابل قبول تلقی می‌شود ممکن است در جاهای دیگر درست به نظر نرسد. برای مثال روش‌هایی که پیام‌های پیشگیرانه در مورد ازدواج کودکان به مردم منتقل می‌شد بر اساس منطقه متغیر می‌نمود. یک سیاست همه‌جانبه و هماهنگ باید خصوصیات منحصربه‌فرد هر فرهنگ را در نظر داشته باشد، زیرا رویکردی که در تمامی تنوعات فرهنگی کارا باشد یافت و محقق نمی‌گردد. این امر انعطاف‌پذیری و سازگاری را می‌طلبد. وقتی یک برنامه منسجم عملی برای از بین بردن ازدواج کودکان تصویب می‌شود باید سیاست‌های شناختِ تنوع و تفاوت‌ها در پیش گرفته شود.

اگرچه بسیاری از پاسخگویان پیام پیشگیرانه در مورد ازدواج زود هنگام را از طرف هیچ منبع خدماتی و اجتماعی دریافت نکرده‌اند؛ اما درصدهایی از پاسخگویان بودند که پیام‌های پیشگیرانه از طریق تلویزیون و رسانه‌های دیگر به گوششان رسیده بود. دستگاه تلویزیون و تلفن همراه می‌توانند ابزار تکنولوژیکی برقراری تماس اولیه را فراهم کنند، تکنولوژی و سینما به‌طور گسترده مسئول رشد تغییرات نگرشی آشکار نسل جدید در خصوص اخلاقیات جنسی نهادی شده است. رسانه می‌تواند فرصت اختلاط دو جنس را در مدرسه بالا ببرد. بنابراین بسیار مهم است که نقش تلویزیون و رسانه را در هر ناحیه جغرافیایی جهت

انتشار پیام پیشگیری ازدواج کودکان در نظر گرفت. برای مثال در استان خوزستان آبوهوای بسیار گرم باعث شده که ساعت‌های کاری به صبح‌ها و شب‌هنگام محدود شود. اغلب مردم اوقات روزانه خود را در خانه به سر می‌برند. در چنین موقعیت‌هایی گوش دادن به رادیو یا تماشا کردن تلویزیون فعالیت رایجی است که مردم بیشتر زمان خود را به آن اختصاص می‌دهند. پیام پیشگیرانه از ازدواج کودکان می‌تواند به آسانی و بسیار مؤثر از طریق رسانه و برنامه‌های تلویزیونی به عموم مردم منتقل شود. با این حال تاکنون تلویزیون یا شبکه رادیویی مستقلی که متعلق به دولت نباشد وجود نداشته است. آنچه در تلویزیون دیده می‌شود مجاز و مورد تأیید دولت است.

این پاسخ‌های حساس جغرافیایی می‌تواند در استان‌هایی همچون آذربایجان شرقی دیده شود که آبوهوای جغرافیایی آن سودآور و مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی، باغبانی و زنبورداری است. بنابراین مطابق مشاهدات بخش میدانی تحقیق، برخلاف خوزستان که ساکنانش به ماندن در خانه‌های خود تمایل دارند، روستاییان آذربایجان شرقی زمان بیشتری را در خارج از خانه‌های خود به سر می‌برند. در نتیجه ابزار کارآمدتر برای انتشار پیام پیشگیرانه از ازدواج کودکان می‌تواند آموزش و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی یا مددکاران اجتماعی در مراکز بهداشتی باشد که به کار در روستاها مشغول‌اند. سایر استان‌ها نیز باید درون چهارچوب خصوصیات جغرافیایی خود دیده شوند، زیرا ازدواج زودهنگام کودکان را نمی‌توان با یک روش یکسان تشخیص، تجویز و درمان کرد.

یک مثال دیگر که در آن لازم است خصوصیات هر استان در نظر گرفته شود را در استان سیستان و بلوچستان می‌توان دید. این استان دارای بافت شدیداً سنتی و مذهبی و هنجارهای اجتماعی ثابت بوده و تسلط قدرت تحمیلی دین عامل مهمی در شکل‌گیری و کنترل افکار جمعی ساکنان آن جامعه است. بخشی از پاسخ‌های چندگانه و هماهنگ به ازدواج کودکان نیاز مبرم به حضور رهبران مذهبی را نشان می‌دهد. در هنگام انتشار پیام پیشگیرانه ازدواج کودکان به توده‌های مردم، رهبران مذهبی نفوذ و اطاعت اجتماعی بالایی را در دست دارند. با توجه به اینکه دین ازدواج کودکان را در بسیاری از جوامع توجیه کرده است، رهبران و مقامات دینی نقش برجسته‌ای در حفظ منزلت زنان در پرتو ادیان مربوطه و به چالش کشیدن انگیزه مذهبی برای کودک همسری ایفا می‌کنند.

ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل وقایع توأمانی هستند که نقطه پایانی برای فرصت پیشرفت در زندگی دختران خردسال می‌باشند. یافته‌های تحقیق در این زمینه حیرت‌آورند. اتفاقی که هم‌زمان و ملازم با ازدواج کودکان روی می‌دهد ترک تحصیل از مدرسه است. در یک خانواده فقیر، ارزش ادامه تحصیل دختر مستقیماً با چشمداشت بهبود اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد مرتبط است. در نتیجه سطح‌های پایین آموزش یا سواد و محدودیت استقلال اقتصادی آسیب‌پذیری دختران را افزایش داده است. آرزوهای یک دخترچه در حوزه‌های آموزشی و حرفه‌ای ممکن است توسط نقش‌های جنسیتی از پیش تعیین‌شده که می‌گوید یک زن محدود به دیوارهای داخلی یک‌خانه است تعیین شود. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات دختران با اقتصاد خانواده‌های فقیر در تضاد است. آنچه از دارایی‌های کمی که برای آینده دختران در دسترس است، به‌جای آنکه روی گسترش آموزش و تحصیلات او سرمایه‌گذاری شود، صرف هزینه‌های عروسی و جهیزیه‌اش می‌گردد.

دلیل بنیادی اینکه چرا ازدواج زودهنگام کودکان در جامعه سنتی ایران تداوم یافته جهان‌بینی مردسالارانه می‌باشد. این همان دلیلی است که کودک همسری را برای نسل‌ها در فرهنگ ایران باقی گذاشته است. علیرغم اینکه اکثریت پاسخگویان (۴۸ درصد) معتقد بودند که کودک همسری باید متوقف شود، هنوز بسیاری از مردم مصرانه آن را اعمال می‌کردند. حتی در میان کسانی که آن را مردود می‌شمردند. از نظر آن‌ها اثرات زیان‌بار ازدواج کودکان هزینه کوچکی است که باید برای تبعیت از هنجارهای جامعه سنتی پرداخت.

زمانی که فقر عامل تعیین‌کننده گرفتن تصمیمات خانوادگی ست ازدواج زودهنگام کودکان به‌عنوان راه‌حلی عملی جهت کاهش مایحتاج مالی خانواده قلمداد می‌شود. فقر از راه می‌رسد و می‌تواند مانند یک نیروی قدرتمند والدین کودک را وادار کند تا با ازدواج زودهنگام پناهی برای کودکان خود بیابند. خانواده‌ها ازدواج در سنین پایین را هم برای خود و هم برای بچه بهتر و مفیدتر می‌دانند. احتیاجات دختران دیگر منابع ناچیز خانواده را خالی نگذاشته و یک فرصت برای زندگی بهتر را نصیب وی

می‌کند. ازدواج زودهنگام کودکان تبدیل به یک‌راه فرار از فقر و خشونت‌های جنسیتی شده است. بنابراین والدین از کودک همسری به‌عنوان ابزاری برای تسکین فقر استفاده می‌کنند و همچنان که در فصل سوم اشاره شد، در بعضی فرهنگ‌ها دریافت مبلغی پول در قبال ازدواج دخترچه یک امر عادی و نرمال است.

ازدواج زودهنگام کودکان در زمانی که جامعه در میانه کشمکش‌ها و مخاصمات اجتماعی است به‌عنوان یک مکانیسم دفاعی دیده می‌شود. زمانی که ناآرامی‌ها یا فجایع طبیعی بر یک کشور اثر می‌گذارد، دختران اولین کسانی هستند که لطمه می‌بینند. همچنان که اخیراً در توافقنامه حقوق بشر بر آن تأکید شده است، این بحران‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی است که آسیب‌پذیری کودکان را افزایش می‌دهد. شواهد بر این مبناست که رسم ازدواج کودکان با خشونت و مشقت اقتصادی تشدید می‌شود. هنگامی که شرایط اضطراری انسانی جوامع را مختل کند، بافت و ساختارهای اجتماعی محافظ کودکان از بین خواهد رفت. والدین به ازدواج دادن بچه‌هایشان به‌عنوان مکانیسمی برای دست‌وپنجه نرم کردن با این بلایا متوسل می‌شوند تا درجاتی از امنیت و رفاه را برای دخترشان خصوصاً در زمانی که خطر خشونت جنسی افزایش می‌یابد، تضمین کنند. احساس کمبود امنیت محرک کودک همسری است. ازدواج زودهنگام محافظ و پاسخی به احساس ناامنی ناشی از جنگ و درگیری‌های داخلی می‌شود. چنانچه در نتایج تحقیقات دیده شد، در مکان‌هایی که درگیری‌های داخلی، جنگ یا کشمکش وجود داشت ازدواج کودکان دروازه‌ای به زندگی امن‌تر برای کودک در نظر گرفته می‌شد. قشربندی اجتماعی خود به ازدواج کودکان شکل می‌بخشد. در برخی از روستاها مالکیت آب یک نشانه تمایز و قشربندی اجتماعی است و در برخی جاهای دیگر کشت پسته. در روستاهایی که ساکنین در اقشار بالاتر اقتصادی قرار داشتند، نرخ ازدواج کودکان با افزایش روبه‌رو می‌شد. این تمایز اقتصادی به کودک همسری به‌منزله ابزار طبقه‌بندی اجتماعی دامن می‌زند. خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندانشان با افرادی در طبقه اقتصادی خود ازدواج کنند تا سلسله‌مراتب نظم، قدرت و رفاه را حفظ کنند.

اعتقادات مذهبی باور به مقدس بودن ازدواج را آفریده‌اند. دستورات دینی اغلب ترجمان هنجارهای اجتماعی و قانون عادی و مرسوم می‌شود که ثمره استانداردهای درونی شده اعتقادات، رفتارها و نگرش‌هاست.

رسوم نامناسب رایج و هنجارهای جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی که در جوامع ایرانی وجود دارد، به نگهداشت رسم کودک همسری کمک می‌کند. در جامعه سنتی که در آن از دست دادن بکارت هنوز یک تابو است، رسوم پیرامون ازدواج و نامزدی، برای جلوگیری از تغییر این تابوها شکل می‌گیرد. در ایران دختران از طریق هنجارهای باکرگی و پاک‌دامنی اجتماعی می‌شوند. حفاظت از آنچه به‌عنوان افتخار دختران‌شان شناخته می‌شود بر مسئولیت والدین به‌عنوان دفاع از شرایط خانواده و قبیله فشار وارد می‌کند.

ازدواج دختران جوان به‌عنوان ابزاری برای کاهش فعالیت‌های جنسی غلط یا ارشاد آن‌ها تعریف می‌شود. در این شرایط داشتن دختر جوان در خانه تهدیدی ست برای آنچه از قبل تابو انگاشته شده، چراکه دختران ممکن است وارد روابط قبل از ازدواج شوند. این ترس قوی حقوق اولیه دختران برای تحصیل و حقوق اولیه اینک که چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند را از آن‌ها می‌گیرد. یافته‌های مطالعات مبنی بر این بود که بسیاری از پاسخگویان (۶۵,۲ درصد) شریک زندگی زناشویی‌شان را خود انتخاب نکرده بودند. در ۴۵,۹ درصد از موارد تصمیم انتخاب شریک زندگی توسط خانواده و در ۱۵,۷ درصد توسط بستگان یا آشنایان گرفته شد. انحراف از هنجارهای اجتماعی نادر است. به‌محض اینکه دخترچه به سن خاصی می‌رسد معمولاً در اوایل نوجوانی به‌عنوان تهدیدی قلمداد می‌شود که باید به‌سرعت ازدواج کند زیرا چنین فرض می‌شود که او به‌اندازه کافی بالغ است که بتواند زندگی تشکیل دهد. ظرفیت تصمیم‌گیری مستقلانه دختران برخلاف رضایت و خواست خود کم است زیرا معمولاً با کسانی ازدواج می‌کنند که از آن‌ها بسیار بزرگ‌ترند. زمانی که یک نوجوان یا کودک خردسال با مردی بسیار بزرگ‌تر از خود ازدواج می‌کند قدرت عدم تعامل ناشی از شکاف سنی می‌تواند بسیار زیاد باشد. تقریباً تمامی پاسخگویان که دخترانشان در سنین خیلی پایین ازدواج کرده بودند ابراز داشتند که این نیروهای اجتماعی اند که تشویق‌کننده عوامل تصمیم‌گیری‌اند (اجتناب از روابط جنسی قبل از ازدواج اولین مزیت ازدواج کودکان بود که توسط پاسخگویان برشمرده شد).

پیوند میان رسم کودک همسری و بیگاری کودکان زمانی ظهور می‌کند که دختری توسط والدین یا سرپرستانش به دست خانواده دیگری سپرده می‌شود. در اینجا سست که کودک در کارهای خانگی و کارهای دستی به استثمار کشیده می‌شود. ازدواج کودکان منابع کار در مناطق روستایی را با اضافه کردن یک عضو جدید به خانواده کار فراهم می‌کند. با اضافه شدن یک دست به دست‌ها حالا کارها راحت‌تر به پیش می‌رود. درآمد اصلی خانواده از کشاورزی، فرش‌بافی، دامداری و غیره فراهم می‌شود و استفاده از دخترچه به دلیل ارزانی و کار آزاد و بدون محدودیت در بعضی از جوامع روستایی، یک الگوی فصلی را دنبال می‌کند که به راحتی با اقتصاد کشاورزی مطابق است.

همچنین یک ارتباط بنیادین مابین ازدواج زودهنگام کودکان و تحصیل وجود دارد (هدف شماره ۲). سه برابر احتمال ازدواج دختران بی‌سواد و آموزش ندیده، قبل از سن ۱۸ سالگی نسبت به دخترانی با تحصیلات بالاتر وجود دارد. این به نوبت خود تأثیری در تلاش برای حذف چشمگیر فقر دارد (هدف شمار ۱)، کودک عروسان فرصت‌های اقتصادی-تحصیلی لازم برای نجات خود و خانواده‌شان از فقر را از دست داده‌اند. این به نوبت خود میزان بالای ترک تحصیل در میان دختران که مانعی بر سر راه در هدف ۲ می‌باشد را ایجاد می‌کند.

رسم ازدواج زودهنگام در کشورهای محروم یا فقیرنشین بسیار عادی و مرسوم است. صرف‌نظر از موقعیت‌های جغرافیایی و فرهنگی، به نظر می‌رسد ازدواج کودکان ارتباط مستقیم و معنی‌داری با شرایطی که معمولاً مشخص‌کننده توسعه ضعیف است داشته باشد؛ از جمله روستائینی، کمبود یا عدم وجود آموزش و فقر. عامل تعیین‌کننده کلیدی و همچنین بازنمود ازدواج کودکان در بنگلادش، مالی، موزامبیک و نیجریه؛ جایی که بیش از نصف ازدواج‌های دختران قبل از سن ۱۸ سالگی است، فقر می‌باشد. در کشورهای مذکور، بالغ بر ۷۵ درصد از مردم با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی خود را می‌گذرانند. مالی یک مثال از بقا در این شرایط وخیم اقتصادی است (دیوان مرجع جمعیت، ۱۳۹۵).

محرومیت و ازدواج کودکان به هم پیوسته‌اند. فقر هم به عنوان علامت و هم محرک ازدواج کودکان، مانع امکان آموزش، اشتغال و دیگر پیشرفت‌های اقتصادی می‌شود و دختران را در معرض آسیب‌پذیری‌های عدیده‌ای قرار می‌دهد (سنلپ، ۱۳۹۳: ۴).

نتیجه گیری و پیشنهادات:

با پایان اهداف توسعه هزاره، سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی، دولت‌های ملی و جنبش‌های سیاسی موانع بالقوه و استراتژی‌های مشخصی را که برای غلبه بر ازدواج کودکان لازم است، تجزیه و تحلیل کردند. تشخیص برابری جنسی هدفی است که بایست پس از ۱۳۹۴ در ابعاد سلامت، تحصیلات، حکومت‌داری، و توانمندسازی اقتصادی بدان دست یافت. به همین منظور اهداف توسعه پایدار^۱ برای کسب اطمینان از برابری جنسیتی، حقوق زنان، توانمندسازی زنان با بسیاری دیگر از برنامه‌های توسعه طراحی شده بودند. همچنین تلاش‌های لازم این زمینه توسط افراد ذی‌نفوذ و شهرت‌مند، و زنان سازمان ملل در برنامه‌های توسعه بعد از سال ۱۳۹۴ انجام شده بود که انحلال ازدواج کودکان را یک هدف مهم در اهداف توسعه پایدار اعلام داشته است. قطعنامه شورای حقوق بشر که توسط بیشتر از ۱۰۰ کشور تصویب شده بود، شرح می‌دهد که اصرار بر ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان به دستاوردهای اهداف توسعه هزاره اقتصادی پویا و پایدار و انسجام اجتماعی آسیب می‌زند، پس بنابراین حذف ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان باید در برنامه توسعه بعد از سال ۱۳۹۴ قرار گیرد (بیست و چهارمین گزارش کنگره حقوق بشر، ۱۳۹۵: ۶۰).

اگرچه این یافته‌ها از مطالعات متمرکز بر ایران حاصل شده است، ازدواج زودهنگام کودکان محدود به منطقه‌ای خاص، سطح پیشرفت اقتصادی معین یا شرح حکم دینی ویژه‌ای نمی‌باشد. معضل ازدواج کودکان در میان گروه‌های خاص ساکن در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ مانند جوامع ارتدکس در اسرائیل (هالپرین کدري، ۱۳۹۲)، صربستان که در آن تقریباً ۸ درصد از زنان، و جوامع رم که ۵۴ درصد از زنان در کودکی ازدواج می‌کنند (یونیسف، ۱۳۹۳).

1. SDG

آنچه مهم است این است که قدرتمندان و سیاست‌گذاران باید از حذف ازدواج زودهنگام کودکان حمایت کنند و موجودیت آن را انکار ننمایند. ازدواج کودکان موجود و تأیید آن به‌شدت لازم است. توجه کردن جمعی و روی آوردن به واقعیات عینی به ریشه‌کنی ازدواج کودکان می‌انجامد. آنچه به رسمیت شناخته‌نشده این است که فهم و قبول یک مشکل، اولین قدم برای حل آن مشکل است. یک نمونه از این مسأله در فصل دوم این گزارش به تفصیل تشریح شده است؛ تصمیم جدید اداره آمار مبنی بر علنی نکردن آمار طلاق به‌جای حل مشکل، صورت مسأله را پاک می‌کند.

سن قانونی تعریف‌شده برای تحصیلات اجباری باید هم‌راستای سن حداقل تعریف‌شده برای ازدواج باشد. قانون در خصوص سن قانونی ازدواج که در حال حاضر ۱۳ سال برای دختران (۹ سال با اجازه دادگاه) و ۱۵ سال برای پسران است، نیازمند افزایش به سن ۱۸ سالگی است. شایان توجه است که علیرغم اینکه بسیاری از کشورها برای حداقل سن قانونی ازدواج قانون‌گذاری می‌کنند، سن ازدواج برای مردان بیشتر از زنان است و بسیاری از کشورها سن قانونی ازدواج را پایین‌تر از آنچه در توافقنامه سازمان ملل در خصوص حقوق کودکان مقرر شده قرار می‌دهند.

در کشورهایی که ثبت تولد اجباری نیست یا به‌صورت نامنجم انجام‌شده، ثبت ازدواج نیز بر مبنای فقدان مدارک یا سندهای غیرقابل اطمینان تولد می‌باشد. طبق گزارش سازمان یونسف، اختلاف در ثبت موالید، تزویر و تحریف در سن و هویت کودک- خصوصاً دخترانی که قربانی ازدواج زودهنگام هستند- را سهولت می‌بخشد. ثبت مناسب و دقیق تولد یک دختر نتایج ارزشمند و پرباری را سبب می‌شود: هویتش محافظت می‌شود، صلاحیتش برای دسترسی به خدمات بنیادی بیشتر و حقوق محافظت‌شده‌اش تا حد زیادی افزایش می‌یابد. عمل ثبت‌احوال، به رسمیت شناختن قانونی وجود یک فرد و ساختاری سیستماتیک برای پیگیری نسبت و خویشاوندی اوست. به‌علاوه ثبت موالید و ازدواج‌ها با تعیین سن یک دختر و شریک زندگی‌اش، از تداوم ازدواج زودهنگام کودکان جلوگیری کرده و باعث می‌شود دختر بتواند در صورت پایان یافتن وصلت زناشویی حقوق و امتیازات مالی خویش را اعاده نماید.

در این میان نقش دولتها بسیار اساسی و مؤثر است. دولت منتخب، به‌عنوان منشأ قدرت اساسی هر کشور، می‌تواند در ممانعت از ازدواج زودهنگام کودکان بسیار تعیین‌کننده باشد. دولت باید وجود و ماهیت ازدواج زودهنگام کودکان را به رسمیت شناخته و مایل به ریشه‌کن‌سازی آن باشد. نقش حکومت و نهادهای جامعه مدنی توسعه و به‌کارگیری نظام‌های پایدار برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام کودکان است. با این حال تمایل دولتها به‌تنهایی برای مبارزه با کودک همسری کافی نیست. همچنان که هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بر هنجارهای قانونی غلبه پیدا می‌کنند، یک تعهد روشن حکومتی برای تضمین اینکه قانون آن‌طور که باید به اجرا درآید، ضرورت دارد. حکومت‌ها با در صدر اهمیت قرار دادن ازدواج زودهنگام کودکان و فراهم‌سازی منابع مالی کافی از طریق وزارتخانه‌ها برای کنار آمدن با این پدیده تاریخی، باید مدیریت سیاسی مقتدرانه‌ای را در این خصوص نشان دهند. علاوه بر این حکومت می‌تواند سیاست‌گذاری‌های سازمانی را باهم هماهنگ کرده و همچنین بر روی مطالعات مربوط به ازدواج زودهنگام کودکان و سایر پروژه‌های مشابه بودجه لازم را تهیه کند. این مهم برای تعیین چارچوب قانونی مدافعه و غیر مغرضانه، به‌کارگیری سفت‌وسخت قوانین و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین فراهم‌سازی خدمات آموزشی و حفاظتی، مراقبت‌های بهداشتی جنسی و مربوط به باروری و رسیدگی به هردوی دختران مجرد و متأهل ضروری است.

قوانین و سیاست‌ها نقش مهمی در جلوگیری از ازدواج در کودکی دارند. به نظر می‌رسد که اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های ازدواج فعلی یکی از آمال ضروری و لازم باشد. قوانین و اصلاحات اخیر در قوانین مدنی کشورها به‌گونه‌ای است که می‌تواند به‌طور خوش‌بینانه حداقل سن ازدواج را به بالای ۱۸ برساند. بسیاری از کشورها چهارچوب قانونی و سیاسی لازم برای جلوگیری از عمل کودک همسری و حمایت از دختران متأهل ندارند. یک سیستم قانونی و سیاسی قوی می‌تواند یک پشتوانه مهم برای بهبود خدمات، تغییرات در هنجارهای اجتماعی و توانمندسازی دختران باشد. گرچه یافته‌ها حاکی از آن بود که تقریباً هیچ‌کدام از پاسخگویان کوچک‌ترین اطلاعی از سن قانونی ازدواج نداشتند، اما بالا بردن این حداقل سنی از ۱۳ و ۱۵ به ۱۸ سال و اطلاع‌رسانی در خصوص آن به مردم و آموزششان چیزی است که از حاکمیت انتظار می‌رود.

باید تلاش جدی‌تری از جانب قوه قضائیه برای مجازات افرادی که به ازدواج کودکان دست می‌زنند و کیفر والدینی که فرزندانشان را وادار به ازدواج زودهنگام می‌کنند، صورت گیرد. بسیار از کشورها نظارت‌های قانون جزایی سخت‌گیرانه‌ای را برای پیگیری قانونی ختنه زنان ترتیب داده‌اند و رسم ازدواج کودکان هم در این میان استثنا نیست. فعالیت‌ها بایست در جهت تقویت توانایی و ظرفیت نیروهای اجرایی قانونی باشند تا در ارتباط هرچه بیشتری با جوامع، مدارس و سازمان‌های دولتی و غیردولتی باعث جلوگیری از تداوم کودک همسری شوند. به این معنا که تمامی مؤسسات ذکرشده در بالا که در قبال مشکلات اجتماعی مسئولیت دارند، باید باهمدیگر در هماهنگی کامل سیاست‌ها و برنامه‌مقابل با پیشرفت ازدواج کودکان باشند.

رهبران دینی از عاملان کلیدی و بنیادی‌تغییرند. آن‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر عقاید عموم دارند و با اعتمادی که در میان جامعه کسب نموده‌اند، می‌توانند مقبولیت فرهنگی تأخیر در ازدواج را جا بیندازند. رهبران دینی به‌طور بالقوه این توانایی را دارند که علیه کودک همسری و تغییر نگرش‌های جامعه گام بردارند. رهبران مذهبی همچنین قادر به تغییر هنجارهای اجتماعی در حیطه سن مورد انتظار در ازدواج دختران هستند. بنابراین ضروری ست که رهبران دینی تعلیمات لازم را در خصوص اثرات ناگوار کودک همسری ببینند. با توجه به تأثیرات مذهب، بررسی و رسیدگی به پدیده کودک همسری از طریق اعمال قوانین شرعی ممکن است یک راه‌حل مؤثر باشد. یک روش جامع آموزش و مشاوره رهبران مذهبی برای انعکاس و بازتاب پیام پیشگیرانه است. در جوامعی که رهبران مذهبی نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری و مداخله هنجارهای عمومی دارند، لازم است که حمایتشان را به‌عنوان پشتوانه‌ای مثبت نشانه گرفت.

عمل سنتی گسترده ازدواج موقت در ایران، موجب فزونی گرفتن ازدواج کودکان می‌شود. اغلب خروج دختر از خانه والدین در شکل ازدواج، می‌تواند او را در قالب کالای جنسی فروخته‌شده قرار دهد یا به شوهر دیگری فروخته شود که این مورد ازدواج موقت کودک یا ازدواج ساختگی نامیده می‌شوند. مردها می‌توانند بارها ازدواج کنند، یا در وصلت‌های متعددی باشند. در صورتی که فرزند وصلت پیشین پسر نبوده باشد، و یا همسر فعلی صاحب دختری شده است، مرد برای مدت‌زمانی محدود تا زمانی که وی بتواند بچه‌دار شده و ترجیحاً پسری به دنیا بیاورد با وی ازدواج می‌کند. پس‌ازاین دیگر احتیاجی به این دختران جوان حس نشده و ترک خواهند شد (و بچه‌هایشان نیز اگر ناخواسته باشند). زمانی که این دختران یک‌بار ترک و رهاشده باشند دیگر نمی‌توانند ازدواج کنند و باید به زندگی سرشار از سختی و محدودیت خویش ادامه دهند. ازدواج کودک در نتیجه منجر به قاچاق انسان، بیگاری کودکان، فحشاء یا به‌طور خلاصه به بردگی گرفتن دختر به‌منظور بهره‌کشی و سوءاستفاده همیشگی می‌باشد. این یکی از عوامل تعیین‌کننده روند ازدواج کودکان در ایران است. پیگیری چنین ازدواج‌هایی آسان نیست زیرا معمولاً ثبت‌نشده‌اند. شکی نیست که ثبت ازدواج‌های موقت نه‌تنها بر نسبت‌های شمار ازدواج کودکان صحه می‌نهد بلکه در جلوگیری از قاچاق جنسی و تجاوز به کودک نیز کمک می‌کند.

منابع:

- یونیسف (۱۳۸۴)، ثبت‌موالید در ایران: تحلیل از وضعیت قوانین مربوطه در ایران. یونیسف: سری گزارشات اطلاعات ایران. موجود در: https://www.unicef.org/iran/IRN_resources_BR_eng-word.pdf (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- یونیسف (۱۳۸۳)، آموزش. موجود در: https://www.unicef.org/media/media_68116.htm (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- یونیسف (۱۳۸۰) ازدواج زودهنگام: کودک همسران. موجود در: <https://www.unicef-irc.org/publications/291> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۷).
- یونیسف (۱۳۷۹)، خشونت خانگی علیه زنان و دختران. فلورانس، ایتالیا. موجود در: <https://www.unicef-irc.org/publications/pdf/digest6e.pdf> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹).

- لويزا. اس و وانگ. اس (۱۳۹۱)، ازدواج زودهنگام: پایان کودک همسری. موجود در <http://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/MarryingTooYoung>.
- لی رایف، سوزان و مالهوترا، انجو و وارنر، ان و مک کوناگل، گلینسکی الیسون (۱۳۹۱)، چه کارهای جلوی ازدواج کودکان را می‌گیرد: مروری بر مدارک. مطالعات برنامه ریزی خانواده، شماره ۴۳، صص ۲۸۷-۳۰۳.
- لیو، ابگلیکی (۱۳۶۷)، اجبار به آمیزش جنسی و ازدواج در جوامع باستانی و قرون وسطایی، واشنگتن دی سی، صص ۸۵-۱۹۰.
- ICRW مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان (۱۳۸۶)، بینش‌های جدید بر پیشگیری از ازدواج کودکان: تحلیل جهانی عوامل و برنامه‌ها، ص ۱۰.
- ICRW مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان (۱۳۸۴)، جوانتر از سن ازدواج: تحصیلات و کنش در جهت پایان کودک همسری. واشنگتن دی سی.
- مطلبی، حسین و رسولی، احمد و حامدی بهتاش، حمیدرضا و دستجردی، علی و کاظمی، بهناز (۱۳۹۲)، عوامل موثر بر ازدواج زودهنگام و اجباری در ایران. مجله علمی سلامت عمومی، دوره ۱، شماره ۵، صص ۲۲۷-۲۲۹.
- مقدم، والتین (۱۳۸۳)، مردسالاری در گذار: زنان و خانواده در حال تغییر در خاورمیانه، مجله مطالعات تطبیقی خانواده، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- مک لود، ساول (۱۳۸۶)، تطابق چیست؟ موجود در: <http://www.simplypsychology.org/conformity.html> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- ملکوری، ا (۱۳۸۹)، در چه سنی کودکان مدرسه‌ای به کار گرفته می‌شوند، ازدواج می‌کنند و به دادگاه برده می‌شوند؟ (چاپ دوم)، یونسکو: پروژه حق تحصیل. موجود در: http://www.right-to-education.org/sites/right-to-education.org/files/resource-attachments/RTE_IBE_UNESCO_At%20What%20Age_Report_2004.pdf
- منچ، بی، جودیت. بی و گرین. اس (۱۳۷۷)، گذرگاه ناشناخته: نوجوانی دختران در جهان در حال توسعه، کنگره جمعیت نیویورک: ۱۷.
- سازمان ملل زنان (۱۳۹۲)، خشونت بر مبنای جنسیت و حفاظت از کودکان در میان پناهندگان سوری در اردن، با تاکید بر ازدواج. موجود در: <http://www.unwomen.org/en/digital-library/publications/2013/7/syrian-refugees> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- سالنامه آماری ثبت احوال (۱۳۹۳) موجود در: <https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/salnameh93.pdf>
- سانیکتا، ام و گرین، ام و مالهوترا، ای (۱۳۸۲)، جوانتر از سن ازدواج: زندگی‌ها، حقوق و سلامت دختران جوان متأهل، ICRW، واشنگتن دی سی.
- سنلاپ (بدون تاریخ)، ازدواج کودکان: روایت بنگال غربی، ص ۴.
- سویتمن، کارولین (۱۳۸۲)، جنسیت، توسعه و ازدواج. نشر اکسفورد
- سینگ، سوشیلا و رنه، سامرا (۱۳۷۵)، ازدواج زودهنگام در میان زنان در کشورهای در حال توسعه. مجله رویکردهای بین‌المللی برنامه ریزی خانواده. دوره ۲۲ شماره ۴. موجود در: <https://editor.guttmacher.org/sites/default/files/pdfs/pubs/journals/2214896.pdf> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

بلام، ار و سودهیناراست، ام و امرسون، ام ار (۱۳۹۱)، جوانان در خطر: افکار و اقدام به خودکشی در ویتنام، چین و تایوان. مجله سلامت نوجوانان، شماره ۵۰، صص ۳۷-۴۴.

بنیاد فورد (۱۳۹۲)، نقشه برداری ازدواج کودکان در افریقا. موجود در: http://www.girlsnotbrides.org/wp-content/uploads/2014/01/Ford-Foundation-CM-West-Africa-2013_09.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

بورینگ، هیلاری (۱۳۹۴)، ریشه کن سازی ختنه زنان: مطالعات راهبردی بریتانیا. انتشارات اگیت. بوکسال، هایللی و تامیسون، آدام و هیوم، شان (۱۳۹۳)، مرور تاریخی بر تعرض جنسی و سوء استفاده جنسی در استرالیا: از ۱۷۸۸-۲۰۱۳، موسسه استرالیایی جرم شناسی. بونتینگ، انی و لورانس، بنجامین و رابرتز، ریچارد (۱۳۹۵)، ازدواج اجباری: منازعه برسر رضایت و اجبار در افریقا، انتشارات دانشگاه اوهایو.

بی بی سی (۱۳۹۵)، سوریه: داستان کشمکش. موجود در: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-26116868> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹).

بیتنکس، مادرس (۱۳۹۲)، چه چیزی عامل ازدواج کودکان است؟ موجود در: <http://www.bellbajao.org/what-causes-early-marriage/> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

بیست و چهارمین گزارش کنگره حقوق بشر (۱۳۹۵)، موجود در: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session24/Pages/ListRepOrts.aspx> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

بیگم، روئنا (۱۳۹۳)، پرسش و پاسخ: ازدواج کودکان و انحرافات حقوق دختران. موجود در: <https://www.hrw.org/news/2013/06/14/q-child-marriage-and-violations-girls-rights> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

آبرت، ورونیکا (۱۳۹۲)، جرایم گفتگو ناپذیر علیه کودکان: خشونت جنسی در کشمکش ها. نشر نجات کودکان. موجود در: <http://reliefweb.int/report/world/unspeakable-crimes-against-children-sexual-violence-conflict> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

آتویل، فرد (۱۳۸۶)، پیش زمینه: یزیدی ها. موجود در: <https://www.theguardian.com/world/2007/aug/15/iraq> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

احمدی، کامیل. (۱۳۹۵). طنین سکوت: پژوهشی جامع بر باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه؛